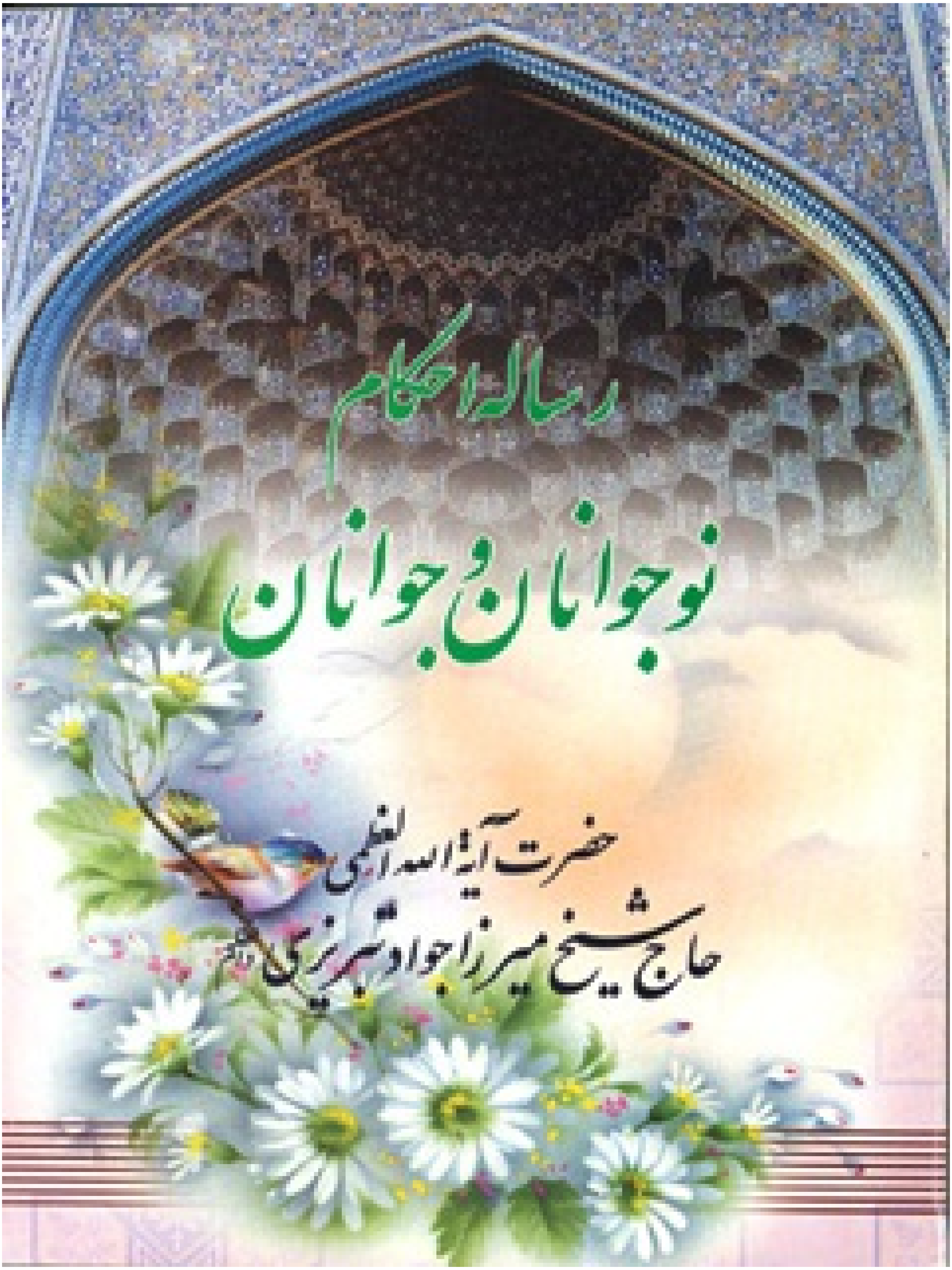

رساله احکام
نوجوانان و جوانان
حضرت آیة الله العظمی
حاج شیخ میرزا جواد تبریزی

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله احکام (جوانان و نوجوانان)

نویسنده:

جواد تبریزی

ناشر چاپی:

دارالصدیقه الشهید

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله احکام (جوانان و نوجوانان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : تبریزی، جواد

عنوان و نام پدیدآور : رساله احکام (جوانان و نوجوانان)/ جواد تبریزی

مشخصات نشر : قم: دار الصدیقه الشهید، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ص ۱۷۲

شابک : ۵۰۰۰ریال ؛ ۵۰۰۰ریال

موضوع : فقه جعفری -- رساله علمیه -- ادبیات نوجوانان

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ت۲ر۴۷ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۱-۱۹۸۱۱

مقدمه

بسمه تعالی

مسائلی که در رساله احکام جوانان و نوجوانان آمده بشهادت بعضی از ثقات با فتاوی این جانب مطابق می‌باشد و عمل به آن مجزی است ان شاء اللّه تعالی.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

رساله‌های توضیح المسائل یکی از راههای ارتباط مقلدین با مراجع تقلید به شمار می‌آید که همواره به منظور دستیابی عموم مردم به فتوا و نظر فقهی فقهای بزرگ شیعه به زیور طبع آراسته گردیده است.

این رساله‌ها که در عصر کنونی به «توضیح المسائل» شهرت یافته از ارزشمندترین میراثهای فقهی مکتب تشیع و به منزلهٔ پاسخنامه‌ای است که همه مردم از هر صنف و قشر به فراخور نیاز خود، به آن رجوع کرده و پاسخ صحیح دینی خود را می‌یابند.

ولی در کنار این کتابهای مفصل، لازم بود تا کتابی که دربردارندهٔ مهمترین مسائل مورد نیاز نوجوانان نیز باشد تهیه گردد تا نوجوانان براحتی بتوانند از آن بهره‌مند شوند و در آینده از رسالهٔ توضیح المسائل بگونه‌ای شایسته‌تر استفاده کنند.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶

لذا برای پاسخگویی به این نیاز، رسالهٔ احکام نوجوانان بر اساس فتوای مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیهٔ اللّه العظمی حاج شیخ میرزا جواد تبریزی «دامت برکاته» تهیه و تنظیم گردید و پس از آن که آقایان محترم اصحاب استفتاء معظم له، آن را ملاحظه فرمودند، به حضور آن مرجع عالیقدر عرضه گشت و با تأیید معظم له به زیور طبع آراسته گردید.

رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا انَّکَ انْتَ السَّمیعُ العَلیم

تابستان ۱۳۸۱

دار الصدّیقهٔ الشهیدهٔ علیها السلام

دار الصدّیقهٔ الشهیدهٔ علیها السلام

تلفن: ۷۷۳۳۴۱۹
فاکس: ۷۷۴۳۷۴۳
GRO. IZIRBAT. WWW moc. liamtoh@ T IZIRBAT

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

الحمد للّه رب العالمین و الصلاهٔ و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ اللّه علی أعدائهم أجمعین الی یوم الدین.

احکام تقلید

مسأله ۱-

شخص مسلمان بایـد به اصول دین از روی دلیل اعتقاد پیـدا کنـد و نمی‌توانـد در اصول دین تقلیـد نماید، یعنی بدون سؤال از دلیل گفتهٔ کسی را قبول کند. ولی در احکام دین در غیر ضروریّات باید مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل بدست آورد، یا از مجتهـد تقلیـد کنـد، یعنی به دسـتور او رفتار نمایـد، یا از راه احتیاط طوری به وظیفـهٔ خود عمل نمایـد که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است، مثلًا اگر عدّه‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸

و عـدّهٔ دیگر می‌گوینـد حرام نیست، آن عمل را انجام ندهـد، و اگر عملی را بعضـی واجب و بعضـی مستحب می‌داننـد، آن را بجا آورد.

پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند، لازم است از مجتهد تقلید نمایند.

مسأله ۲-

تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است.

و از مجتهـدی بایـد تقلیـد کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعهٔ دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد. و نیز معتبر است سابقهٔ فسق معروفی بین مردم نداشته باشد، و از مجتهدی که تقلید می‌شود غیر از اوصاف ذکر شده امر دیگری معتبر نیست. و عادل کسی است که کارهائی را که بر او واجب است بجا آورد و کارهائی را که بر او حرام است ترک کنـد، و نشانـهٔ عـدالت این است که در ظـاهر شـخص خوبی باشـد، که اگر از اهـل محـل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشـرت دارنـد حال او را بپرسـند، خوبیِ او را تصـدیق نماینـد. و در صورتی که اختلاف فتوی بین مجتهـدین در مسائل محل ابتلاء و لو اجمالًا معلوم باشد لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند اعلم باشد، یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد.

مسأله ۳-

مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

اول: آنکه خود انسان یقین کند مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹

دوم: آنکه دو نفر عالم و عادل، که می‌توانند مجتهد اعلم را تشـخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسـی را تصدیق کنند بشرط

آنکه دو نفر عالم و عادل دیگر با گفتهٔ آنان مخالفت ننمایند و در صورت اختلاف، خبره بودن هر کدام بیشتر باشد قول او مقدم است بلکه به گفتهٔ یک نفر عالم خبره مورد وثوق نیز اجتهاد یا اعلمیّت ثابت می‌شود.

سوم: آنکه عدّه‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسأله ۴-

بدست آوردن فتوی یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد:

اول: شنیدن از خود مجتهد.

دوم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند.

سوم: شنیدن از کسی که انسان به گفتهٔ او اطمینان دارد.

چهارم: دیدن در رسالهٔ مجتهد در صورتی که انسان بدرستی آن رساله اطمینان داشته باشد، و در صورتی که نقل شخص معتبر با نوشتهٔ رسالهٔ معتبره مخالفت کند و اشتباه در یکی معلوم نگردد، شخص باید تا روشن شدن فتوای مجتهد عمل به احتیاط کند، و اگر ناقل نقل خود را نسبت به رساله بدهد که در آن رساله خلاف نقل

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰

مذکور است نقل او اعتبار ندارد.

مسأله ۵-

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

مسأله ۶-

اگر مکلّف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید نماید در صورتی که آن مجتهد به صحت اعمال گذشته حکم نماید، آن اعمال صحیح است و الّا محکوم به بطلان است.

احکام طهارت

[آب‌ها]

آب مطلق و مضاف

مسأله ۷-

آب یا مطلق است یا مضاف: آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد: مثل آبی که بقدری با گِل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند، و غیر اینها آب مطلق است و آن بر پنج قسم است: اول آب کر، دوم آب قلیل، سوم آب جاری، چهارم آب باران، پنجم آب چاه.

۱- آب کر

مسأله ۸-

اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس، به آب کر برسد چنانچه آن آب، بو یا
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱
رنگ یا مزهٔ نجاست را بگیرد، نجس می‌شود، و اگر تغییر نکند نجس نمی‌شود.

مسأله ۹-

اگر بو یا رنگ یا مزهٔ آب کر بواسطهٔ غیر نجاست تغییر کند نجس نمی‌شود.

مسأله ۱۰-

اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزهٔ قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد تمام آب نجس می‌شود، و اگر به اندازهٔ کر یا بیشتر باشد فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزهٔ آن تغییر کرده نجس است.

مسأله ۱۱-

اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می‌ریزد اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته باشد پاک است.

۲- آب قلیل

مسأله ۱۲-

آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

مسأله ۱۳-

اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد، یا چیز نجس به آن برسد نجس می‌شود. ولی اگر با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس است و مقداری که به آن چیز
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲
نرسیده پاک است.

مسأله ۱۴-

آبی که با آن مخرج بول و غائط را می‌شویند با پنج شرط پاک است:

اول- آنکه بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته باشد.

دوم- نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد.

سوم- نجاست دیگری مثل خون یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد.

چهارم- ذرّه‌های غائط در آب پیدا نباشد.

پنجم- بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

۳- آب جاری

اشارهٔ

آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات و لوله‌کشیهایی که فعلًا در بلاد مرسوم است جاری نیست و حکم آب کر را دارد.

مسأله ۱۵-

آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی که بو یا رنگ یا مزهٔ آن بواسطهٔ نجاست تغییر نکرده پاک است.

مسأله ۱۶-

اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن، که بو

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳

یا رنگ یا مزهاش بواسطهٔ نجاست تغییر کرده نجس است. و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آبهای طرف دیگر نهر اگر به اندازهٔ کر باشد یا بواسطهٔ آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک وگرنه نجس است.

۴- آب باران

مسأله ۱۷-

چیزی که نجس است و عین نجاست در آن نیست، به هر جای آن یک مرتبه باران برسد پاک می‌شود. و در فرش و لباس و مانند اینها بنابر احتیاط فشار لازم است و باریدن دو سه قطره فائده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید.

مسأله ۱۸-

اگر باران، بر عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد، و بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته

باشـد پاک است، پس اگر باران بر خون ببارد و ترشح کند، چنانچه ذرّه‌ای خون در آن باشد، یا آنکه بو یا رنگ یا مزهٔ خون گرفته باشد نجس می‌باشد.

مسأله ۱۹–

خاک نجسی که بواسطهٔ باران گل شود پاک است.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴

احکام آبها

مسأله ۲۰–

آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

مسأله ۲۱–

آب مضاف هر قـدر زیاد باشـد، اگر ذرّه‌ای نجاست به آن برسـد نجس می‌شود، ولی چنانچه با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسـیده نجس است و مقـداری که نرسـیده است پـاک می‌باشـد. مثلًا اگر گلاـب را از گلابـدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس، و آنچه به دست نرسیده پاک است.

مسأله ۲۲–

آبی که مطلق بوده و معلوم نیست که به حـد مضـاف شـدن رسـیده یـا نه، مثـل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می‌کنـد، و وضو و غسل هم با آن صـحیح است. و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شـده یا نه، مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، و وضو و غسل هم با آن باطل است.

احکام تخلّی

اشاره

(بول و غائط کردن)

مسأله ۲۳–

واجب است انسان وقت تخلّی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵

محرم باشـند، و همچنین از دیوانه و بچّه‌های ممیّز که خوب و بـد را می‌فهمند، بپوشاند، ولی زن و شوهر و کسانی که در حکم آنها هستند مثل کنیز و مالکش لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

مسأله ۲۴-

موقع تخلّی بایـد طرف جلوی بـدن یعنی شـکم و سـینه رو به قبله و پشت به قبله نباشـد، و مراد از قبله جهتی است که در حال علم و اختیار باید نماز به آن طرف خوانده شود.

مسأله ۲۵-

در چهار جا تخلّی حرام است: «اول» در کوچه‌های بن بست، در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشـند. «دوم» در ملک کسی که اجازهٔ تخلّی نداده است. «سوم» در جائی که برای عدّهٔ مخصوصی وقف شده است مثل بعضی از مدرسه‌ها. «چهارم» روی قبر مؤمنین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد، و همچنین هر جائی که تخلّی موجب هتك حرمت یکی از مقدّسات دین یا مذهب شود.

مسأله ۲۶-

در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاك می‌شود:

«اول» آنکه با غائط نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد.

«دوم» آنکه نجاستی از خارج به مخرج غائط رسـیده باشـد. «سوم» آنکه اطراف مخرج بیشتر از مقـدار معمول آلوده شده باشد. و در غیر این سه صورت می‌توان مخرج را با آب شـست و یا به دستوری که بعداً گفته می‌شود، با پارچه و سنگ و مانند اینها پاك کرد، اگر چه

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶

شستن با آب بهتر است.

استبراء

مسأله ۲۷-

اسـتبراء عمل مسـتحبّی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند، برای آنکه یقین کنند بول در مجرا نمانده است. و آن دارای اقسامی است، و بهترین آنها این است که بعـد از قطع شدن بول، اگر مخرج غائط نجس شده، اول آن را تطهیر کنند، بعد سـه دفعه با انگشت میانـهٔ دست چپ از مخرج غائط تا بیـخ آلت بکشـند، و بعـد شـست را روی آلت و انگشت پهلوی شـست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند، و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

مسأله ۲۸-

اگر انسان شك کنـد اسـتبراء کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آیـد که ندانـد پاك است یا نه، نجس می‌باشد. و چنانچه وضو گرفته باشـد باطـل می‌شود. ولی اگر شك کنـد اسـتبرائی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آیـد که ندانـد پاك است یا نه، پاك می‌باشد و وضو را هم باطل نمی‌کند.

مسأله ۲۹-

کسـی که اسـتبرا نکرده اگر بواسطهٔ آنکه مدتی از بول کردن او گذشته، یقین کند بول در مجرا نمانده است و رطوبتی ببیند و شك

كند پاك است يا نه، آن رطوبت پاك مى‌باشد و وضو را هم باطل نمى‌كند.
رساله احكام جوانان و نوجوانان (تبريزى)، ص: ۱۷

نجاسات

مسأله ۳۰-

نجاسات ده چيز است: اول بول، دوم غائط، سوم منى، چهارم مردار، پنجم خون، ششم و هفتم سگ و خوك، هشتم كافر كه از طايفهٔ يهود و نصارى و مجوس نباشد، نهم شراب، دهم فقاع.

۱، ۲- بول و غائط:

مسأله ۳۱-

بول و غائط انسان و هر حيوان حرام گوشتى كه خون جهنده دارد يعنى اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن مى‌كند، نجس است. و بول و غائط حيوان حرام گوشتى كه خون آن جستن نمى‌كند مثل ماهى حرام گوشت و همچنين فضلهٔ حيوانات كوچك مثل پشه و مگس كه گوشت ندارند پاك است.

مسأله ۳۲-

بول و فضلهٔ پرندگان حرام گوشت پاك و بهتر اجتناب است.

مسأله ۳۳-

بول و غائط حيوان نجاستخوار نجس است و همچنين است بول و غائط گوسفندى كه شير خوك خورده كه از آن شير، گوشت آورده و استخوانش محكم شود، يا حيوانى كه انسان آن را وطى كرده يعنى با آن نزديكى نموده است.

۳- منى:

مسأله ۳۴-

منى انسان و حيوانى كه خون جهنده دارد نجس
رساله احكام جوانان و نوجوانان (تبريزى)، ص: ۱۸
است.

۴- مردار:

مسأله ۳۵-

مردار انسان و حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، چه خودش مرده باشد، یا به غیر دستوری که در شرع معیّن شده آن را کشته باشند. و ماهی چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد پاک است.

مسأله ۳۶–

چیزهائی از مردار مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان، که روح نداشته پاک است.

مسأله ۳۷–

اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است.

مسأله ۳۸–

اگر پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند پاک است.

۵– خون:

مسأله ۳۹–

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند نجس است، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می‌باشد.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۹

مسأله ۴۰–

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معیّن شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند پاک است، ولی اگر به علت نفس کشیدن یا بواسطهٔ اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.

مسأله ۴۱–

خونی که بواسطهٔ کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک، و اگر به آن خون بگویند نجس است، و در این صورت چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل جهت وضو یا غسل مشقت دارد باید تیمّم نماید. و بنابر احتیاط لازم وضو هم بگیرد به طوری که وقت وضو گرفتن آب وضو نجس نشود.

۶، ۷– سگ و خوک:

مسأله ۴۲–

سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریائی پاک است.

۸– کافر:

مسأله ۴۳–

تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۰

مسأله ۴۴–

شخصی که به یکی از دوازده امام علیهم السلام از روی دشمنی دشنام دهد، نجس است.

۹– فقاع:

مسأله ۴۵–

فقاع که از جو گرفته می‌شود و به آن آب جو می‌گویند نجس است، و غیر فقاع مانند آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند پاک می‌باشد.

مسأله ۴۶–

عرق جنب از حرام پاک است و بنابر احتیاط نماز با آن جایز نیست و بعید نیست احتیاط در این مسأله واجب نباشد.

راه ثابت شدن نجاست

مسأله ۴۷–

نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود:
اول: آنکه خود انسان یقین یا اطمینان کند چیزی نجس است، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنابراین غذا خوردن در قهوه‌خانه‌ها و مهمانخانه‌هائی که مردمان لا ابالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند در آنها غذا می‌خورند، اگر انسان یقین یا اطمینان نداشته باشد، غذائی را که برای او آورده‌اند نجس است اشکال ندارد.
دوم: آنکه کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن چیز
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۱
نجس است، مثلًا همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می‌باشد.

سوم: آنکه دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز اگر یک نفر عادل بلکه شخص موثّق اگر چه عادل هم نباشد بگوید چیزی نجس است، باید از آن چیز اجتناب کرد.

چیز پاک چگونه نجس می‌شود

مسأله ۴۸-

اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود، و همچنین اگر به چیز سومی با همان رطوبت برسد، نجسش می‌کند، و مشهور فرموده‌اند که متنجّس به طور مطلق منجّس است، ولی این حکم در غیر واسطهٔ اول محل اشکال است، و احتیاط واجب در اجتناب از او است (مثال) در صورتی که دست راست به بول متنجّس شود آنگاه آن دست با رطوبت دیگری دست چپ را ملاقات کند این ملاقات موجب نجاست دست چپ خواهد بود، و اگر دست چپ بعد از خشکیدن با آب قلیل یا سایر مایعات ملاقات کند، آن نیز نجس می‌شود، ولی اگر با چیز دیگری با رطوبت دیگری ملاقات کند، نجاست آن چیز معلوم نیست اگر چه احتیاط واجب اجتناب از آن است، و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود اگر چه به عین نجس

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۲

برسد.

مسأله ۴۹-

اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جائی که خون دارد نجس و بقیهٔ آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است، و محلّی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می‌باشد.

احکام نجاسات

مسأله ۵۰-

نجس کردن خط و ورق قرآن در صورتی که مستلزم هتک باشد، بی‌اشکال حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند. بلکه بنابر احتیاط واجب در غیر فرض هتک نیز نجس کردن حرام و آب کشیدن واجب است.

مسأله ۵۱-

اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی‌احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.

مطهِّرات

مسأله ۵۲-

دوازده چیز نجاست را پاک می‌کند و آنها را مطهِّرات گویند: «اول» آب، «دوم» زمین، «سوم» آفتاب، «چهارم» استحاله، «پنجم» انقلاب، «ششم» انتقال، «هفتم» اسلام، «هشتم» تبعیّت، «نهم» برطرف شدن عین نجاست، «دهم» استبراء

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۳

حیوان نجاست‌خوار، «یازدهم» غائب شدن مسلمان، «دوازدهم» خارج شدن خون متعارف از ذبیحه.

و احکام اینها به طور تفصیل در مسائل آینده گفته می‌شود.

۱- آب:

مسأله ۵۳-

آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می‌کند:

اول: آنکه مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی‌کند.

دوم: آنکه پاک باشد.

سوم: آنکه وقتی چیز نجس را می‌شویند، آب مضاف نشود، و در شستنی که بعد از آن شستن دیگر لازم نیست باید بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست هم نگیرد، و در غیر این شستن تغییر ضرر ندارد، مثلًا چیزی را به آب کر یا قلیل بشوید و دو دفعه شستن در او لازم باشد، در دفعهٔ اول اگر چه تغییر کند در دفعهٔ دوم به آبی تطهیر کند که تغییر نکند پاک می‌شود.

چهارم: آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد. و پاک شدن چیز نجس به آب قلیل یعنی آب کمتر از کر شرطهای دیگری هم دارد که بعداً گفته می‌شود.

مسأله ۵۴-

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۴

شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبهٔ دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غسالهٔ آن بیرون آید. (و غساله آبی است که معمولًا در وقت شستن و بعد از آن چیزی که شسته می‌شود، خود به خود یا بوسیلهٔ فشار می‌ریزد).

مسأله ۵۵-

اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند، بدن پاک می‌شود، و بیرون آمدن و دو مرتبه در آب رفتن لازم نیست.

مسأله ۵۶-

غذای نجسی که لای دندانها مانده، اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد پاک می‌شود.

مسأله ۵۷-

اگر ظرف یا بدن نجس باشد، و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

۲– زمین:

مسأله ۵۸–

زمین با سه شرط کف پا و ته کفش را که به راه رفتن نجس شده پاک می‌کند: «اول» آنکه زمین پاک باشد. «دوم» آنکه خشک باشد. «سوم» آنکه اگر عین نجس مثل خون و بول، یا متنجّس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد، بواسطهٔ راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود. و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۵

و سبزه، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود.

مسأله ۵۹–

پاک شدن کف پا و ته کفش نجس، بواسطهٔ راه رفتن روی اسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده محلّ اشکال است.

مسأله ۶۰–

برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است مقدار پانزده ذراع دست یا بیشتر راه بروند، اگر چه به کمتر از پانزده ذراع یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

مسأله ۶۱–

لازم نیست کف پا و ته کفش نجس، تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می‌شود.

۳– آفتاب:

مسأله ۶۲–

آفتاب زمین و ساختمان و چیزهائی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند با پنج شرط پاک می‌کند:

اول: آنکه چیز نجس تر باشد، پس اگر خشک باشد باید به وسیله‌ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند.

دوم: آنکه اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از خشک شدن به تابیدن آفتاب آن را برطرف کند.

سوم: آنکه چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۶

تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد. و نیز تابیدن آفتاب از پشت شیشه اشکال ندارد.

چهارم: آنکه آفتاب به تنهائی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلًا چیز نجس بواسطهٔ باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد.

پنجم: آنکه آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند. پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعهٔ دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

مسأله ۶۳–

اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب، تر بوده یا نه، یا تری آن بواسطهٔ آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است، و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب، عین نجاست از آن برطرف شده یا نه یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

۴– انتقال:

مسأله ۶۴–

اگر کسی پشه‌ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می‌باشد، پاک است، و همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزو بدن پشه

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۷

حساب شود، امّا اگر فاصلهٔ بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که می‌گویند خون پشه است یا خون انسان، نجس می‌باشد.

۵– اسلام:

مسأله ۶۵–

اگر کافر غیر کتابی شهادتین بگوید یعنی به یگانگی خدا و نبوت خاتم الانبیاء شهادت بدهد به هر لغتی که باشد مسلمان می‌شود. و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن، عین نجاست به بدن او بوده، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد، بلکه اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجاست برطرف شده باشد، احتیاط واجب آن است که جای آن را آب بکشد. و بنابر اظهر کافر کتابی پاک است.

مسأله ۶۶–

اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد، نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد، بنابر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند.

مسأله ۶۷–

اگر کافر شـهادتین بگوید، و انسان نداند قلباً مسـلمان شده یا نه، پاك است، و همچنین اگر بداند قلباً مسلمان نشده است ولی چیزی که منافی با اظهار شهادتین باشد از او سر نزند.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۸

۶– تبعیّت:

مسأله ۶۸–

تبعیّت آن است که چیز نجسی بواسطهٔ پاکی چیز دیگر پاك شود.

مسأله ۶۹–

کسی که چیزی را آب می‌کشد، بعد از پاك شدن آن چیز، دست او هم که با آن چیز شسته شده پاك می‌شود.

۷– برطرف شدن عین نجاست:

مسأله ۷۰–

اگر بـدن حیوان به عین نجس مثـل خون، یـا متنجّس مثـل آب نجس آلوده شود، چنـانچه آنها برطرف شونـد، بـدن آن حیوان پاك است، و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی.
مثلًا اگر خونی از لای دنـدان بیرون آیـد و در آب دهان از بین برود، آب کشیـدن توی دهان لازم نیست، ولی اگر دنـدان عاریه در دهان باشد و خون به آن برسد بنابر احتیاط باید آن را آب بکشند.

مسأله ۷۱–

اگر غـذا لای دنـدان مانـده باشـد و داخل دهان خون بیایـد، چنانچه انسان ندانـد که خون به غذا رسـیده، آن غذا پاك است. و اگر خون به آن برسد بنابر احتیاط نجس می‌شود.

مسأله ۷۲–

مقـداری از لبها و پلك چشم که موقع بسـتن، روی هم می‌آیـد، و نیز جائی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود باید آب بکشد.

مسأله ۷۳–

اگر گرد و خاك نجس به لباس و فرش و مانند اینها

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۲۹

بنشیند چنانچه طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد، و چیزی با رطوبت با آنها ملاقات کند نجس نمی‌شود.

۸- استبراء حیوان نجاستخوار:

مسأله ۷۴-

بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است. و اگر بخواهند پاک شود، باید آن را استبراء کنند یعنی تا مدّتی نگذارند نجاست بخورد که بعد از آن مدّت دیگر نجاست‌خوار به آن نگویند، و بنابر احتیاط واجب باید شتر نجاست‌خوار را چهل روز، و گاو را سی روز، و گوسفند را ده روز، و مرغابی را هفت یا پنج روز، و مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بدهند. و اگر بعد از این مدّت بازهم نجاست‌خوار به آنها گفته شود، باید تا مدتی که بعد از آن مدّت دیگر نجاست‌خوار به آنها نگویند آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایند.

۹- غائب شدن مسلمان:

مسأله ۷۵-

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار او است، نجس شود و آن مسلمان غائب گردد، با شش شرط پاک است:

اول- آنکه آن مسلمان چیزی که بدن یا لباسش را نجس کرده نجس بداند. پس اگر مثلًا لباسش با رطوبت به بدن کافر ملاقات کرده

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۰

و آن را نجس نداند، بعد از غائب شدن او نمی‌شود آن لباس را پاک دانست.

دوم- آنکه بداند بدن یا لباسش به چیز نجس رسیده است.

سوم- آنکه انسان ببیند آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می‌کند، مثلًا ببیند با آن لباس نماز می‌خواند.

چهارم- آنکه احتمال برود که آن مسلمان بداند شرط کاری را که با آن چیز انجام می‌دهد پاکی است، پس اگر مثلًا نداند که باید لباس نمازگزار پاک باشد و با لباسی که نجس شده نماز بخواند، نمی‌شود آن لباس را پاک دانست.

پنجم- آنکه انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است، پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده، نباید آن چیز را پاک بداند. و نیز اگر نجس و پاک در نظر آن مسلمان فرق نداشته باشد، پاک دانستن آن چیز محلّ اشکال است.

ششم- آنکه مسلمان بالغ، یا طفلی باشد که بتواند طهارت و نجاست را تشخیص دهد.

احکام ظرفها

مسأله ۷۶-

خوردن و آشامیدن از ظرف طلا- و نقره حرام است، ولی زینت نمودن اطاق و مانند آن و نگاه‌داشتن آنها مانعی ندارد و همچنین

است ساختن ظرف طلا و نقره و خریدوفروش آنها برای
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۱
زینت نمودن یا نگاه داشتن.

مسأله ۷۷-

گیرهٔ استکان که از طلاـ یا نقره می‌سازند اگر بعد از برداشتن استکان، ظرف به آن گفته شود، استعمال آن چه به تنهائی و چه با استکان حرام است، و اگر ظرف به آن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد.

مسأله ۷۸-

استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا نقره داده‌اند اشکال ندارد.

مسأله ۷۹-

اگر فلزی را با طلاـ یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند، چنانچه مقدار آن فلز به قدری باشد که ظرف طلا یا نقره به آن ظرف نگویند استعمال آن مانعی ندارد.

وضو

[چند مسأله]

مسأله ۸۰-

در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلو سر و روی پاها را مسح کنند.

مسأله ۸۱-

در ازای صورت را باید از بالای پیشانی جائی که موی سر بیرون می‌آید تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط قرار می‌گیرد باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشویند وضو باطل است، و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملًا شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

مسأله ۸۲-

اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۲
متعارف مردم باشد باید ملاحظه کند که مردمان متعارف تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همانجا بشوید، و نیز اگر در پیشانی او مو روئیده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازهٔ معمول، پیشانی را بشوید.

مسأله ۸۳-

اگر احتمال دهد چرك یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو وارسی کند که اگر هست برطرف نماید.

مسأله ۸۴-

اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را بپوست برساند، و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

مسأله ۸۵-

اگر شك كند پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را بپوست هم برساند.

مسأله ۸۶-

شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند از جاهائی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید، و کسی که نمی‌دانسته باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهائی که گرفته این مقدار شسته یا نه، نمازی را که با آن وضو خوانده و وقتش باقی است با وضوی جدید اعاده نماید و

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۳

قضای نمازهائی که وقتش گذشته واجب نیست.

مسأله ۸۷-

باید صورت و دستها را از بالا به پائین شست، و اگر از پائین به بالا بشوید وضو باطل است.

مسأله ۸۸-

اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که بواسطهٔ کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

مسأله ۸۹-

بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

مسأله ۹۰-

برای آنکه یقین کند آرنج را کاملًا شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسأله ۹۱–

کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان بشوید. و اگر فقط تا مچ بشوید وضوی او باطل است.

مسأله ۹۲–

بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و احتیاط واجب آن است که با دست راست مسح نماید.

مسأله ۹۳–

یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می‌باشد. و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۴

کند کافی است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازهٔ درازای یک انگشت و از پهنا به اندازهٔ پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

مسأله ۹۴–

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلًا شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهائی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.

مسأله ۹۵–

بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط واجب آن است که تا مفصل مسح نماید. و پای راست را با دست راست و بعد پای چپ را با دست چپ مسح کند.

مسأله ۹۶–

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است ولی بهتر آن است که به اندازهٔ پهنای سه انگشت بسته مسح نماید، و بهتر از آن مسح تمام روی پا با تمام کف دست است.

مسأله ۹۷–

احتیاط واجب آن است که در مسح پا دست را بر سر

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۵

انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد، یا آنکه دست را به مفصل گذاشته و تا سر انگشتها بکشد نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد.

مسأله ۹۸-

در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسأله ۹۹-

جای مسح باید خشک باشد، و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

وضوی ارتماسی

مسأله ۱۰۰-

وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، ولی مسح با تری آن دست اشکال دارد. بنابراین دست چپ را نباید ارتماسی شست.

مسأله ۱۰۱-

در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پائین شسته شود، پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می‌برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۶

مسأله ۱۰۲-

اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

شرائط وضو

اشاره

شرائط صحیح بودن وضو چند چیز است:

«شرط اول»

آنکه آب وضو پاک باشد.

«شرط دوم»

اشاره

آنکه مطلق باشد.

مسأله ۱۰۳-

وضو بـا آب نجس و آب مضاف باطل است اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را ندانـد یا فراموش کرده باشـد. و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

مسأله ۱۰۴-

اگر غیر از آب گل‌آلود مضاف آب دیگری برای وضو نـدارد، چنانچه وقت نماز تنگ است بایـد تیمّم کنـد، و اگر وقت دارد، باید صبر کند تا آب صاف شود وضو بگیرد.

«شرط سوم»

اشاره

آنکه آب وضو و فضائی که در آن وضو می‌گیرد، در حال مسح بلکه بنابر احتیاط واجب در حال شستن نیز مباح باشد.

مسأله ۱۰۵-

وضـو به آب غصـبی و به آبی که معلـوم نیست صـاحب آن راضـی است یـا نه حرام و باطـل است. و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، چنانچه در غیر آنجا نتواند وضو
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۷
بگیرد، تکلیف او تیمّم است. و اگر در غیر آنجـا بتوانـد وضو بگیرد، لاـزم است که در غیر آنجا وضو بگیرد، ولی چنانچه در هر دو صورت معصیت کرده و همانجا وضو بگیرد وضویش صحیح است.

«شرط چهارم»

آنکه ظرف آب وضو مباح باشد.

«شرط پنجم»

اشاره

آنکه ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد. و تفصیل این دو شرط در مسألهٔ بعدی ذکر می‌شود.

مسأله ۱۰۶–

اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است و غیر از آن آب دیگری ندارد، در صورتی که بتواند به وجه مشروعی آن آب را در ظرف دیگر خالی نماید لازم است خالی کرده و بعداً وضو بگیرد، و چنانچه میسور نباشد باید تیمّم کند، و اگر آب دیگری دارد لازم است با آن وضو بگیرد، و در هر صورت اگر معصیت کرده و با دست و مانند آن آب را بر اعضاء وضو بریزد وضویش صحیح است، و اگر در ظرف غصبی یا طلا و نقره وضوی ارتماسی بگیرد وضوی او باطل است چه آب دیگری داشته باشد یا نه.

«شرط ششم»

اشاره

آنکه اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاك باشد.

مسأله ۱۰۷–

اگر پیش از تمام شدن وضو، جائی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.

مسأله ۱۰۸–

اگر غیر از اعضاء وضو جائی از بدن نجس باشد،
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۸
وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند و بعد وضو بگیرد.

«شرط هفتم»

اشاره

آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد.

مسأله ۱۰۹-

هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کند، ولی اگر برای وضو و تیمّم یک اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد.

«شرط هشتم»

اشاره

آنکه به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

مسأله ۱۱۰-

لازم نیست نیّت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، بلکه اگر تمام افعال وضو به داعی امر خدا بجا آورده شود کفایت می‌کند.

«شرط نهم»

آنکه وضو را به ترتیبی که گفته شد بجا آورد یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید، و بنابر احتیاط دست چپ را یک‌دفعه بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید، و بنابر احتیاط پای چپ را بعد از پای راست مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۳۹

«شرط دهم»

اشاره

آنکه کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهد.

مسأله ۱۱۱–

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جائی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهائی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است. و اگر فقط رطوبت جائی که جلوتر از محلّی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند، خشک شده باشد، مثلًا موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضویش صحیح است.

مسأله ۱۱۲–

اگر کارهای وضو را پشت سرهم بجا آورد ولی بواسطهٔ گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها، رطوبت جاهای پیشین خشک شود، وضوی او صحیح است.

مسأله ۱۱۳–

راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دستها مقداری راه برود و بعد سر و پا را مسح کند وضوی او صحیح است.

«شرط یازدهم»

اشاره

آنکه شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو بدهد، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

مسأله ۱۱۴–

کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد باید نائب بگیرد که او
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۰
را وضو دهد، و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد، ولی باید خود او نیّت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر نمی‌تواند باید نائبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نیست باید نائب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.

مسأله ۱۱۵–

هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهائی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

«شرط دوازدهم»

اشاره

آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

مسأله ۱۱۶–

کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد، اگر چه بعد بفهمد ضرر داشته ولی ضرر به حدّی که شرعاً حرام است نبوده باشد، وضوی او صحیح است.

مسأله ۱۱۷–

اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

«شرط سیزدهم»

اشاره

آنکه در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۱

مسأله ۱۱۸–

اگر می‌داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

مسأله ۱۱۹–

اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند. و نیز اگر ناخن

بیشتر از معمول بلند باشد باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

مسأله ۱۲۰–

اگر پیش از وضو بداند که در بعضـی از اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت بوده وضوی او صحیح است.

احکام وضو

مسأله ۱۲۱–

کسی که در کارهای وضو و شرائط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند اگر به حد وسوسه برسد باید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۱۲۲–

اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه بنا می‌گذارد که وضوی او باقی است، ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۲

مسأله ۱۲۳–

کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.

مسأله ۱۲۴–

اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، در صورتی که احتمال بدهد که در حال شروع به نماز، ملتفت حالش بوده است نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

مسأله ۱۲۵–

اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.

مسأله ۱۲۶–

اگر بعد از نماز شک کند، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

مسأله ۱۲۷–

کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند اگر چه بهتر این است که به نماز مبادرت نماید.

مسأله ۱۲۸–

کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید بهتر آن است که جلوگیری نماید.
بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، احوط آن است که خود را معالجه نماید.

مسأله ۱۲۹–

اگر کسی مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفهٔ کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۳
غائط خودداری کنند عمل نماید.

چیزهائی که باید برای آنها وضو گرفت

مسأله ۱۳۰–

برای شش چیز وضو گرفتن واجب است:
اول: برای نمازهای واجب غیر از نماز میّت. و در نمازهای مستحب شرط صحّت است.
دوم: برای سجده و تشهّد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سر زده مثلًا بول کرده باشد، ولی برای سجدهٔ سهو واجب نیست وضو بگیرد.
سوم: برای طواف واجب خانهٔ کعبه.
چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسَم خورده باشد که وضو بگیرد.
پنجم: اگر نذر کرده باشد که جائی از بدن خود را به خط قرآن برساند.
ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، یا برای بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطّل شدن به مقدار وضو بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۴

مسأله ۱۳۱–

مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جائی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.

مسأله ۱۳۲-

کسی که وضو ندارد بنابر احتیاط حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید. و بهتر آن است که اسم مبارك پیغمبر و امام و حضرت زهرا علیهم السلام را هم مس ننماید.

چیزهائی که وضو را باطل می‌کند

مسأله ۱۳۳-

هفت چیز وضو را باطل می‌کند:

اول: بول.

دوم: غائط.

سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود.

چهارم: خوابی که بواسطهٔ آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود.

پنجم: چیزهائی که عقل را از بین می‌برد: مانند دیوانگی و مستی و بی‌هوشی.

ششم: استحاضهٔ زنان که بعداً گفته می‌شود.

هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۵

احکام وضوی جبیره

اشاره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوائی که روی زخم و مانند آن می گذارند «جبیره» نامیده می‌شود.

مسأله ۱۳۴-

اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد باید به طور معمول وضو گرفت.

مسأله ۱۳۵-

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد از بالا به پائین بشوید.

مسأله ۱۳۶-

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، به این معنی که

زخم تمام محل مسح را گرفته باشد و یا آنکه از مسح جاهای سالم نیز متمکّن نباشد، در این صورت لازم است تیمّم نماید. و بنابر احتیاط وضو نیز گرفته و پارچهٔ پاکی روی آن بگذارند، و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند.

مسأله ۱۳۷–

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد.
چنانچه باز کردن آن ممکن است و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها باشد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۶

مسأله ۱۳۸–

اگر زخم یا دمل یا شکستگی که بسته است در صورت یا دستها باشد چنانچه باز کردن و ریختن آب روی آن ضرر دارد، باید مقداری را که متمکن است از اطراف شسته و روی جبیره را مسح نماید.

مسأله ۱۳۹–

اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاك است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر هم ندارد، باید آب را به روی زخم از بالا به پائین برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر ندارد ولی رساندن آب به روی زخم ممکن نیست، یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید تیمّم بنماید.

مسأله ۱۴۰–

اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهائی که باز است روی پا را و جائی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.

مسأله ۱۴۱–

اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید، و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند، و در جاهائی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۷
نماید.

مسأله ۱۴۲–

اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمّم کند.

مسأله ۱۴۳–

اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقّت دارد که نمی‌شود تحمّل کرد وظیفه‌اش تیمّم است مگر در صورتی که در جای تیمّم هم چسبیده باشد، بلی اگر آن چیزی که چسبیده دوا باشد حکم جبیره را دارد.

مسأله ۱۴۴–

کسی که وظیفهٔ او تیمّم است اگر در بعضی از جاهای تیمّم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمّم جبیره‌ای نماید.

غسلهای واجب

اشاره

غسلهای واجب هفت است:

اول: غسل جنابت.

دوم: غسل حیض.

سوم: غسل نفاس.

چهارم: غسل استحاضه.

پنجم: غسل مس میّت.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۸

ششم: غسل میّت.

هفتم: غسلی که بواسطهٔ نذر و قسَم و مانند اینها واجب می‌شود.

[غسل جنابت]

احکام جنابت

مسأله ۱۴۵–

به دو چیز انسان جنب می‌شود: «اول» جماع.

«دوم» بیرون آمدنی منی، در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

مسأله ۱۴۶–

اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شـهوت و جستن بیرون آمده، آن رطوبت حکم منی را دارد، و در غیر این صورت حکم منی را نـدارد ولی در مریض لازم نیست آن رطوبت، بـا جسـتن بیرون آمـده باشـد، بلکه اگر با شهوت بیرون آید در حکم منی است.

مسأله ۱۴۷–

اگر از مردی کـه مریض نیست آبی بیرون آیـد که بـا جسـتن یـا بـا شـهوت نباشـد، چنـانچه پیش از بیرون آمـدن آب، وضـو داشـته می‌تواند به همان وضو اکتفا کند، و اگر وضو نداشته کافی است فقط وضو بگیرد، و غسل بر او لازم نیست.

مسأله ۱۴۸–

مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند، و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۴۹
منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.

چیزهائی که بر جنب حرام است

مسأله ۱۴۹–

پنج چیز بر جنب حرام است:
اول– رساندن جائی از بدن خود به خط قرآن، یا به اسم خدا و پیغمبران و امامان علیهم السلام، به طوری که در وضو گفته شد.
دوم– رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.
سوم– توقف در مساجد دیگر، و همچنین بنابر احتیاط واجب در حرم امامان علیهم السـلام، ولی اگر از یک در مسجد داخل و از در دیگر خارج شود، مانعی ندارد.
چهارم– گذاشتن چیزی در مسجد یا داخل شدن در آن برای برداشتن چیزی.
پنجم– خوانـدن هر یـک از آیـات سـجدهٔ واجب و آن در چهـار سوره است: «اول» سورهٔ سـی و دوم قرآن (الم تنزیل). «دوم» سورهٔ چهل و یکم (حم سجده). «سوم» سورهٔ پنجاه و سوم (و النجم).
«چهارم» سورهٔ نود و ششم (اقرأ).
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۰

احکام غسل کردن

مسأله ۱۵۰–

در غسل ارتماسی یا ترتیبی پاک بودن تمام بدن پیش از غسل لازم نیست بلکه اگر به فرو رفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل، بدن پاک شود غسل محقق می‌شود.

مسأله ۱۵۱–

کسی که از حرام جنب شده و بخواهد با آب گرم غسل کند عرق می‌کند، مانعی ندارد.

مسأله ۱۵۲–

اگر در غسل به اندازهٔ سر موئی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است ولی شستن مثل توی گوش و بینی و هر چه از باطن شمرده می‌شود، واجب نیست.

مسأله ۱۵۳–

جائی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، چنانچه قبلًا از ظاهر بوده باید بشوید و الّا واجب نیست.

مسأله ۱۵۴–

اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن از ظاهر شمرده شود، باید آن را شست وگرنه شستن آن لازم نیست.

مسأله ۱۵۵–

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کند، و اگر پیش از آنکه یقین کند برطرف شده غسل نماید غسل او باطل است.

مسأله ۱۵۶–

اگر موقع غسل شک کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد در بدن او هست یا نه، باید وارسی کند تا مطمئن شود که
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۱
مانعی نیست.

تبریزی، جواد بن علی، رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)؛ ص: ۵۱

مسأله ۱۵۷-

در غسل بایـد موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود بشوید، و شسـتن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برسانـد که آنها تر نشود، غسل صـحیح است ولی اگر رسانـدن آب به پوست، بـدون شسـتن آنها ممکن نباشـد، بایـد آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

مسأله ۱۵۸-

اگر شک کنـد که غسل کرده یا نه، بایـد غسل کنـد، ولی اگر بعـد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه، در صورتی که احتمال بدهد که وقت غسل ملتفت بوده و صحیح بجا آورده لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسأله ۱۵۹-

اگر در بین غسل، حدث اصغر از او سر زند مثلًا بول کند، باید غسل را تمام کرده و وضو هم بگیرد.

مسأله ۱۶۰-

اگر از جهت ضـیق وقت وظیفـۀ مکلّف تیمّم بوده ولی به خیـال اینکه به انـدازۀ غسـل و نماز وقت دارد غسل کنـد، غسل او صـحیح است.

مسأله ۱۶۱-

کسـی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه، نمازهائی که خوانده چنانچه احتمال بدهد که وقت شـروع به نماز ملتفت بوده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند. و در صورتی که بعد از نماز، حدث اصغر از او صادر شده باشد لازم

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۲

است وضو هم بگیرد، و اگر وقت باقی است نمازی را که خوانده اعاده نماید.

مسأله ۱۶۲-

کسی که چند غسل بر او واجب است می‌تواند به نیّت همهٔ آنها یک غسل بجا آورد، و اظهر این است که اگر یکی معیّن از آنها را قصد کند از بقیّه کفایت می کند.

تیمّم

(در هفت مورد بجای وضو و غسل باید تیمّم کرد:)

اول از موارد تیمّم:

اشاره

آنکه تهیهٔ آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

مسأله ۱۶۳–

اگر انسان در آبادی باشد باید بنابر احتیاط برای تهیهٔ آب وضو و غسل، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود، و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند یا به جهت زیادی درختان راه رفتن در آن دشوار است باید در هر یک از چهار طرف به اندازهٔ پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می کردند «۱» در جستجوی آب رود و الّا باید در هر طرف به اندازهٔ پرتاب دو تیر جستجو نماید.

---

(۱) مجلسی اول قدس سرّه در کتاب شرح من لا یحضره الفقیه، مقدار پرتاب تیر را دویست گام معیّن فرموده است.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۳

مسأله ۱۶۴–

اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعض دیگر پست و بلند باشد، در طرفی که هموار است به اندازهٔ پرتاب دو تیر، و در طرفی که هموار نیست به اندازهٔ پرتاب یک تیر جستجو کند.

مسأله ۱۶۵–

در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

مسأله ۱۶۶–

کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیهٔ آب وقت دارد، اگر یقین دارد در محلّی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست، باید برای تهیهٔ آب برود، و اگر گمان دارد آب هست، رفتن به آن محل لازم نیست، ولی اگر گمان او قوی و به حدّ اطمینان باشد، باید برای تهیهٔ آب به آن محل برود.

مسأله ۱۶۷-

لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفتهٔ او اطمینان دارد بفرستد، و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است.

مسأله ۱۶۸-

اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیهٔ آب برای او ممکن نیست یا نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد نباید آن را باطل نماید، ولی می‌تواند با عیال خود نزدیکی کند اگر چه بداند که از غسل متمکّن نخواهد شد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۴

دوم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۶۹-

اگر بواسطهٔ پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها، یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمّم کند، و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقّت داشته باشد که مردم آن را تحمّل نمی‌کنند، ولی در صورت اخیر چنانچه تیمّم ننماید و وضو بگیرد وضوی او صحیح است.

مسأله ۱۷۰-

اگر برای کشیدن آب از چاه، دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد باید تهیه کند، و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند، ولی اگر تهیهٔ آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

مسأله ۱۷۱-

اگر ناچار شود که برای تهیهٔ آب قرض کند، باید قرض نماید، ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را

بدهد، واجب نیست قرض کند.

سوم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۷۲-

اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که بواسطهٔ استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد، یا شدّت یابد یا به سختی معالجه شود، باید تیمّم نماید،
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۵
ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

مسأله ۱۷۳-

لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، باید تیمّم کند.

مسأله ۱۷۴-

کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمّم نماید.

مسأله ۱۷۵-

اگر بواسطهٔ یقین یا ترس ضرر، تیمّم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمّم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، بنابر احتیاط واجب در صورتی که وقت باقی باشد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند، و اگر وقت گذشته قضا ندارد.

مسأله ۱۷۶-

کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته وضو و غسل او صحیح است.

چهارم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۷۷-

هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، دچار زحمت می‌شود باید تیمّم نماید، و جواز تیمّم به این جهت در سه صورت است:

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۶

۱- آنکه اگر آب را در وضو یا غسل صرف نماید خودش فعلًا یا بعداً به تشنگی که باعث تلف یا مرضش شده یا تحمّلش مشقّت زیادی دارد مبتلا خواهد شد.

۲- آنکه بر کسانی که حفظشان بر او واجب است بترسد که از تشنگی تلف یا بیمار شوند.

۳- آنکه بر غیر خود (چه انسان باشد یا حیوان) بترسد و تلف یا بیماری یا بی‌تابی‌شان بر او گران باشد، و در غیر این صورت با داشتن آب تیمّم جایز نیست.

پنجم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۷۸-

کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند، بنابر احتیاط، بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمّم نماز بخواند، ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمّم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

ششم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۷۹-

اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلًا آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن، آب و ظرف دیگری ندارد، باید بجای وضو و غسل تیمّم کند.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۷

هفتم از موارد تیمّم:

مسأله ۱۸۰-

هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود باید تیمّم کند.

مسأله ۱۸۱-

اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمّم صحیح است.

چیزهائی که تیمّم به آنها صحیح است

مسأله ۱۸۲–

تیمّم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمّم، نکند و اگر خاک نباشد، با ریگ یا کلوخ، و چنانچه ریگ و کلوخ هم نباشد با سنگ تیمّم نماید.

مسأله ۱۸۳–

تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است، و بنابر احتیاط در حال اختیار به گچ و آهک پخته و به سنگ معدن مثل سنگ عقیق تیمّم ننمایند.

مسأله ۱۸۴–

اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند اینها است تیمّم نماید، و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمّم کند، و اگر گل هم پیدا نشود، واجب است بعداً قضای آن را بجا آورد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۸

مسأله ۱۸۵–

اگر با خاک و ریگ، چیزی مانند کاه که تیمّم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمّم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، تیمّم به آن خاک و ریگ صحیح است.

مسأله ۱۸۶–

تیمّم به دیوار گلی صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمّم نکند.

مسأله ۱۸۷–

چیزی که بر آن تیمّم می‌کند باید پاک باشد، و اگر چیز پاکی که تیمّم به آن صحیح است ندارد، نماز را بنابر احتیاط با تیمّم بخواند و نیز قضای آن را بجا آورد.

مسأله ۱۸۸–

اگر یقین داشته باشد که تیمّم به چیزی صحیح است و به آن تیمّم نماید، بعد بفهمد تیمّم به آن باطل بوده، نمازهائی را که با آن تیمّم خوانده باید دوباره بخواند.

دستور تیمّم بدل از وضو یا غسل

مسأله ۱۸۹–

در تیمّم بدل از وضو یا غسل چهار چیز واجب است:

«اول» نیّت.

«دوم» زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم به آن صحیح است.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۵۹

«سوم» کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جائی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی، و احتیاطاً باید دستها روی ابروها هم کشیده شود.

«چهارم» کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست، و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

احکام نماز

اشاره

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می‌شود، و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. و همانطور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند، و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند، مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملًا بجا نیاورد، حضرت فرمودند: اگر این مرد در حالی که نمازش اینطور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است.

پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتاب‌زدگی نماز

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۰

نخواند، و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید، و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند، و اگر انسان در موقع نماز کاملًا به این مطلب توجه کند، از خود بی‌خبر می‌شود، چنانکه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیر المؤمنین علی علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند.

و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناهانی را که مانع قبول شدن نماز است مانند:

حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکاة بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهائی را که ثواب نماز را کم می‌کند بجا نیاورد، مثلًا در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند، و کارهائی را که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا آورد، مثلًا انگشتر عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

نمازهای واجب

اشاره

نمازهای واجب شش است:

اول: نماز یومیّه.

دوم: نماز آیات.

سوم: نماز میّت.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۱

چهارم: نماز طواف واجب خانهٔ کعبه.

پنجم: نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است.

ششم: نمازی که بواسطهٔ اجاره و نذر و قسَم و عهد واجب می‌شود.

نمازهای واجب یومیّه

اشاره

نمازهای واجب یومیّه پنج است: ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت؛ مغرب، سه رکعت؛ عشا، چهار رکعت؛ صبح، دو رکعت.

مسأله ۱۹۰–

در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرائطی که گفته می‌شود دو رکعت خواند.

[وقت نمازها]

وقت نماز ظهر و عصر:

مسأله ۱۹۱–

اگر چوب یا چیزی مانند آن را «شاخص»، راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایهٔ آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید این سایه کم می‌شود، و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجهٔ کمی می‌رسد و ظهر که گذشت، سایهٔ آن به طرف مشرق برمی‌گردد و هرچه خورشید رو به مغرب می‌رود سایه زیادتر می‌شود، بنابراین وقتی سایه به آخرین درجهٔ کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است، ولی در بعضی از شهرها مثل مکّه که

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۲

گاهی موقع ظهر سایه به کلّی از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

مسأله ۱۹۲–

وقت نماز ظهر و عصر بعد از زوال تا غروب آفتاب است، ولی چنانچه نماز عصر را عمداً قبل از نماز ظهر بخوانند باطل است مگر اینکه از آخر وقت بیش از آوردن یک نماز مجال نباشد، که در این فرض اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخوانده، نماز ظهر او قضا است و باید نماز عصر را بخواند، و اگر کسی پیش از این وقت اشتباهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند، نمازش صحیح است، و احوط این است که آن را نماز ظهر قرار داده و چهار رکعت دیگر به قصد ما فی الذمّه بجا آورد.

مسأله ۱۹۳-

اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، باید نیّت را به نماز ظهر برگرداند، یعنی نیّت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می‌خوانم همه نماز ظهر باشد، و بعد از آنکه نماز را تمام کرد نماز عصر را بخواند.

مسأله ۱۹۴-

وقت نماز جمعه از اول ظهر است تا وقتی که سایهٔ شاخص در طرف مشرق به اندازهٔ خود شاخص شود. و نماز جمعه دو رکعت می‌باشد و بهتر است که قرائت آن را به جهر بخوانند، و در هر رکعت بعد از حمد قرائت سوره واجب است، و بهتر است در
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۳
رکعت اول سورهٔ جمعه و در رکعت دوم سورهٔ منافقین را بخوانند، و نیز در هر رکعت قنوت مستحب است: در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع، و دو خطبه قبل از نماز واجب است، و هر خطبه باید شامل باشد بر حمد بر خداوند متعال و صلوات بر پیغمبر اکرم و ائمهٔ هدی و ترغیب مردم و وصیّت آنها به تقوی و مواظبت بر واجبات و اجتناب از معاصی و قرائت سورهٔ خفیفه، و کسی که بنابر احتیاط باید به نماز جمعه حاضر شود و در آن وقت مشغول نماز ظهر باشد که می‌تواند نماز جمعه را درک کند، نماز ظهرش اشکال دارد، و درک نماز جمعه نظیر درک نماز جماعت است که بیان خواهد شد.

وقت نماز مغرب و عشا:

مسأله ۱۹۵-

احتیاط واجب آن است که قبل از اینکه سرخی طرف مشرق- که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود- از بالای سر انسان بگذرد، انسان نماز مغرب را بجا نیاورد.

مسأله ۱۹۶-

وقت نماز مغرب و عشا تا نیمهٔ شب امتداد دارد ولی نماز عشا در صورتی که با التفات، قبل از نماز مغرب خوانده شود باطل است مگر اینکه از وقت بیش از مقدار اداء نماز عشا نمانده باشد که در این صورت لازم است نماز عشا را قبل از نماز مغرب بخواند.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۴

مسأله ۱۹۷-

اگر کسی اشتباهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

مسأله ۱۹۸–

اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه به رکوع رکعت چهارم نرفته است، بایـد نیّت را به نماز مغرب برگردانـد و نماز را تمام کنـد و بعـد نماز عشا را بخوانـد، و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته است باید نماز را بهم زند و بعد از خواندن نماز مغرب نماز عشا را بجا آورد.

مسأله ۱۹۹–

آخر وقت نماز عشا نصف شب است. و شب را باید از اول غروب تا اول آفتاب حساب کرد «۱».

وقت نماز صبح:

مسأله ۲۰۰–

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم، و اول وقت نماز صبح است. و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می‌آید.

---

(۱) بنابراین دوازده ساعت بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۵

احکام وقت نماز

مسأله ۲۰۱–

موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند، بلکه به اذان شخصی که وقت‌شناس و مورد اطمینان باشد یا به خبر دادن او به دخول وقت نیز می‌توان اکتفا نمود.

مسأله ۲۰۲–

اگر بواسطهٔ ابر یا غبار، نتواند در اول وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می‌تواند مشغول نماز شود، ولی در چیزهائی که نسبت به شناختن وقت مانع شخصی باشد مثل نابینائی و در زندان بودن احتیاط واجب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین کند وقت داخل شده است.

مسأله ۲۰۳–

اگر به یکی از راههای گذشته برای انسان ثابت شود که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است. و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده. و بنابر احتیاط اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده بود، نماز را اعاده نماید.

مسأله ۲۰۴–

اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت، مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۶

در وقت خوانده، نماز او صحیح است، و اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت، نمازش باطل است. بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است، باید دوباره آن نماز را بخواند.

مسأله ۲۰۵–

اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است.
ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت داخل شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

مسأله ۲۰۶–

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که بواسطهٔ بجا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را بجا نیاورد، مثلًا اگر بواسطهٔ خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت را نخواند.

مسأله ۲۰۷–

کسی که به اندازهٔ خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیّت اداء بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

نمازهائی که باید به ترتیب خوانده شود

مسأله ۲۰۸–

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند، و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۷

نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

مسأله ۲۰۹–

اگر به نیّت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی‌تواند نیّت را به نماز عصر برگرداند بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند، و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

مسأله ۲۱۰–

اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیّت را به نماز ظهر برگرداند، چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده، باید نیّت را به نماز عصر برگرداند و نمازش را تمام کند.

مسأله ۲۱۱–

اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیّت را به نماز ظهر برگرداند، ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، آفتاب غروب می‌کند و برای یک رکعت از نماز هم مجال نیست، باید به نیّت نماز عصر نماز را تمام کند و قضای ظهر نیز واجب نیست.

مسأله ۲۱۲–

اگر در نماز عشا، پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، نصف شب می‌شود، و به مقدار یک رکعت از نماز هم مجال نیست، باید به نیّت عشا نماز را تمام کند. و اگر بیشتر وقت دارد، باید نیّت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۸
تمام کند، بعد نماز عشا را بخواند.

مسأله ۲۱۳–

اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت کم است باید نماز عشا را تمام کند، و اگر به مقدار پنج رکعت وقت باشد، باید نماز را بهم زده و بعد از نماز مغرب نماز عشا را بخواند.

مسأله ۲۱۴–

اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی‌تواند نیّت را به آن نماز برگرداند، مثلًا موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می‌خواند، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است، نمی‌تواند نیّت را به نماز ظهر برگرداند.

مسأله ۲۱۵-

برگرداندن نیّت از نماز قضا به نماز اداء و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

مسأله ۲۱۶-

اگر وقت نماز اداء وسعت داشته باشد، انسان می‌تواند در بین نماز نیّت را به نماز قضا برگرداند ولی باید برگرداندن نیّت به نماز قضا ممکن باشد، مثلًا اگر مشغول نماز ظهر است در صورتی می‌تواند نیّت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکوع رکعت سوم نشده باشد.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۶۹

لباس نمازگزار

مسأله ۲۱۷-

اشاره

لباس نمازگزار شش شرط دارد:

اول: آنکه پاک باشد.

دوم: آنکه مباح باشد.

سوم: آنکه از اجزاء مردار نباشد.

چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد.

پنجم و ششم: آنکه اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلاباف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده گفته می‌شود.

مسأله ۲۱۸- «شرط اول»

لباس نمازگزار باید پاک باشد، و اگر کسی در حال اختیار با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسأله ۲۱۹- «شرط دوم»

لباس نمازگزار باید مباح باشد، و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غصبی حرام است یا اینکه از روی تقصیر حکم مسأله را نداند، اگر عمداً در آن لباس نماز بخواند، بنابر احتیاط باطل است، ولی در چیزهائی که به تنهائی عورت را نمی‌پوشاند و همچنین چیزهائی که فعلًا نمازگزار آنها را نپوشیده مانند دستمال بزرگ یا لنگی که در جیب گذاشته شود اگر چه بشود عورت را با آنها پوشانید، و همچنین چیزهائی که نمازگزار آنها را پوشیده ولی ساتر

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۰

مباح دیگری دارد و در تمام این صور غصبی بودن آنها به نماز ضرری ندارد هر چند احتیاط در ترک است.

مسأله ۲۲۰- «شرط سوم»

لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد- یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می‌کند- نباشد، بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی و مار خون جهنده ندارد، لباس تهیه کنند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

مسأله ۲۲۱- «شرط چهارم»

لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر موئی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

مسأله ۲۲۲- «شرط پنجم»

پوشیدن لباس طلاباف برای مردان حرام است و نماز با آن باطل است، ولی برای زنان در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

مسأله ۲۲۳- «شرط ششم»

لباس مرد نمازگزار بنابر احتیاط حتی عرقچین و بند شلوار باید ابریشم خالص نباشد، و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مردان حرام است.

مکان نمازگزار

اشاره

مکان نمازگزار هفت شرط دارد:

«شرط اول»

اشاره

آنکه مباح باشد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۱

مسأله ۲۲۴-

کسی که در ملك غصبی نماز می‌خواند اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد، در صورتی که مواضع سجودش غصبی باشد نمازش باطل است، و همچنین است حال در مسائل آینده، ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمهٔ غصبی مانعی ندارد.

مسأله ۲۲۵- «شرط دوم»

اشاره

مکان نمازگزار بایـد بی‌حرکت باشد، و اگر بواسـطهٔ تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جائی که حرکت دارد مانند اتومبیل و کشتی و ترن نمـاز بخوانـد، به قـدری که ممکن است بایـد در حال حرکت چیزی نخوانـد، و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند، به طرف قبله برگردد.

مسأله ۲۲۶–

نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و ترن و مانند اینها وقتی ایستاده‌اند مانعی ندارد.

«شرط سوم»

اشاره

باید در جائی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را تمام می‌کند. و نماز خواندن در جائی که بواسطهٔ باد و باران و زیادی جمعیّت و مانند اینها اطمینان دارد که نمی‌تواند نماز را تمام کند، صحیح نیست اگر چه اتفاقاً نماز را تمام کند.

مسأله ۲۲۷–

اگر در جـائی که مانـدن در آن حرام است، مثلًا زیر سـقفی که نزدیـک است خراب شود نماز بخوانـد، اگر چه معصیت کرده ولی نمازش اشکالی ندارد.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۲

مسأله ۲۲۸–

نماز خواندن روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مثل جائی از فرش که اسم خدا بر آن نوشته شده، بنابر احتیاط صحیح نیست.

«شرط چهارم»

اشاره

آنکه جـای نمازگزار سـقفش به انـدازه‌ای که نتوانـد در آنجا راست بایسـتد، کوتاه نباشـد، و همچنین به انـدازه‌ای که جای رکوع و سجود نداشته باشد، کوچک نباشد.

مسأله ۲۲۹–

اگر ناچار شود که در جائی نماز بخوانـد که به طور کلّی از ایسـتادن تمکّن نـدارد لازم است نشسـته نماز بخوانـد، و اگر از رکوع و

سجود تمکّن ندارد، برای آنها با سر اشاره نماید.

«شرط پنجم»

آنکه مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، ولی جائی که پیشانی را بر آن می‌گذارد اگر نجس باشد، در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلًا نجس نباشد.

«شرط ششم»

اشاره

باید بین مرد و زن در حال نماز اقلًا مقدار یک وجب فاصله باشد، و فرقی نمی‌کند زن جلوتر بایستد یا مرد و یا مساوی هم بایستند، ولی رعایت فاصله در شهر مکّه لازم نیست، و نیز در غیر مکّه نماز خواندن در فاصلهٔ کمتر از ده ذراع مکروه است.

مسأله ۲۳۰–

اگر زن برابر مرد یا کمتر از یک وجب جلوتر بایستد و

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۳

با هم وارد نماز شوند، باید نماز را دوباره بخوانند، و اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد نماز او بنابر اظهر صحیح است، و کسی که بعد مشغول نماز شده باید نمازش را دوباره بخواند.

مسأله ۲۳۱–

اگر بین مرد و زن که برابر هم ایستاده‌اند یا زن جلوتر ایستاده و نماز می‌خوانند، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند، نماز هر دو صحیح است اگر چه بین آنها یک وجب هم فاصله نباشد.

«شرط ششم»

اشاره

آنکه جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.

و تفصیل این مسأله در احکام سجده گفته می‌شود.

مسأله ۲۳۲–

بودن مرد و زن نا محرم در جائی که خلوت است و کسی هم نمی‌تواند وارد شود یا وارد شونده مانع از ابتلا به معصیت نمی‌شود،

در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهند جایز نیست، و لکن اگر آنجا نماز بخواند صحیح است.

مبطلات نماز

مسأله ۲۳۳–

اشاره

دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند:

اول

– آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود، مثلًا در بین نماز بفهمد لباسش که ساتر است غصبی است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۴

دوم

– آنکه در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلًا بول از او بیرون آید، ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد، رفتار نماید نمازش باطل نمی‌شود، و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.

سوم

اشاره

– از مبطلات نماز آن است که دستها را به قصد اینکه جزو نماز باشد روی هم بگذارد، و اگر به این قصد نباشد بلکه به عنوان ادب در نماز باشد نمازش صحیح است و لکن کار حرام کرده است.

مسأله ۲۳۴–

هرگاه از روی فراموشی یا ناچاری یا تقیّه یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد.

چهارم

– از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد در صورتی که قصد دعا ننماید و یا به قصد اینکه جزو نماز باشد، آمین بگوید، ولی اگر فقط به قصد دعا یا اشتباهاً یا از روی تقیّه بگوید، نمازش باطل نمی‌شود.

پنجم

اشاره

- از مبطلات نماز آن است که عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا بطرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۵
عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

مسأله ۲۳۵-

اگر عمداً یا سهواً سر را به قدری بگرداند که مواجه طرف راست یا چپ قبله یا بیشتر باشد، نمازش باطل است، ولی اگر سر را کمی بگرداند که نگویند روی خودرا از قبله گردانده، عمداً باشد یا اشتباهاً، نمازش باطل نمی‌شود، و اگر به مقداری برگرداند که بگویند روی خود را از قبله برگردانده است ولی به حدّ راست یا چپ قبله نرسیده باشد، در این صورت چنانچه روگرداندن عمدی باشد نماز باطل است، و اگر سهوی باشد نماز صحیح است.

ششم

اشاره

- از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه‌ای بگوید که یک حرف یا بیشتر باشد، اگر چه معنی هم نداشته باشد.

مسأله ۲۳۶-

اگر سهواً کلمه‌ای بگوید که یک حرف یا بیشتر دارد، اگر چه آن کلمه معنی داشته باشد نمازش باطل نمی‌شود، ولی لازم است بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد چنانکه خواهد آمد.

هفتم

اشاره

- از مبطلات نماز، خندهٔ با صدا و عمدی است، و چنانچه عمداً بی‌صدا یا سهواً با صدا بخندد، ظاهر این است که نمازش اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۷-

اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلًا رنگش سرخ شود، بهتر آن است که نمازش را دوباره بخواند.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۶

هشتم

- از مبطلات نماز بنابر احتیاط آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، و احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی‌صدا هم گریه نکند، ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

نهم

اشاره

- از مبطلات نماز، کاری است که صورت نماز را بهم بزنـد، مثل دست زدن و به هوا پریـدن و ماننـد اینها، عمـداً باشـد یا از روی فراموشی، ولی کاری که صورت نماز را بهم نزند، مثل اشاره کردن با دست اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۸-

اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، بنابر احتیاط نمازش را بعد از تمام کردن اعاده کند.

مسأله ۲۳۹-

اگر در بین نماز کاری انجام دهد، یا مدّتی ساکت شود و شک کند که نماز بهم خورده یا نه، بنابر احتیاط نماز را تمام کرده و دوباره بخواند.

دهم

اشاره

- از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است که اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند، عمداً باشد یا از روی فراموشی، نمازش باطل می‌شود، ولی کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، اگر پیش از اذان صبح، نماز مستحبّی بخواند و تشنه باشد، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود، در صورتی که آب روبروی او در دو سه قدمی باشد می‌تواند در بین نماز آب بیاشامد،

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۷

امّا باید کاری که نماز را باطل می‌کند، مثل رو گرداندن از قبله انجام ندهد.

مسأله ۲۴۰-

اگر بواسطهٔ عملی، موالات نماز بهم بخورد، یعنی طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را بعد از تمام کردن دوباره بخواند.

مسأله ۲۴۱-

اگر در بین نماز، غذائی را که در دهان یا لای دندانها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود، و نیز اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود اشکال ندارد.

یازدهم

- از مبطلات نماز، شک در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی، یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است، در صورتی که نمازگزار در حال شک باقی باشد، یا مقداری از نماز را در حال شک بجا آورد.

دوازدهم

اشاره

- از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید، و در مسألهٔ (۹۵۱) گذشت که زیادی تکبیرهٔ الاحرام سهواً مبطل نماز نیست.

مسأله ۲۴۲-

اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۸

شکّیات

اشاره

شکّیات نماز «۲۳» قسم است: هشت قسم آن شکهائی است که نماز را باطل می‌کند، و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد، و نُه قسم دیگر آن صحیح است.

شکهای باطل

مسأله ۲۴۳-

شکهائی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:
اول- شک در شمارهٔ رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شمارهٔ رکعتهای نماز مستحب و نماز احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.
دوم- شک در شمارهٔ رکعتهای نماز سه رکعتی.
سوم- آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.
چهارم- آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن ذکر واجب سجدهٔ دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.
پنجم- شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج.
ششم- شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش.
هفتم- شک در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۷۹
هشتم- شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش، و شک بین چهار و پنج بعد از رکوع و قبل از تمام شدن سجدتین.

مسأله ۲۴۴-

اگر یکی از شکهای باطل برای انسان پیش آید، بهتر آن است که نماز را بهم نزدند بلکه به قدری فکر کند که صورت نماز بهم بخورد یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

شکهائی که نباید به آنها اعتنا کرد

مسأله ۲۴۵–

شکهائی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

«اول» شک در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است: مثل آنکه در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

«دوم» شک بعد از سلام نماز.

«سوم» شک بعد از گذشتن وقت نماز.

«چهارم» شک کثیر الشک، یعنی کسی که زیاد شک می کند.

«پنجم» شک امام در شمارهٔ رکعتهای نماز در صورتی که مأموم شمارهٔ آنها را بداند، و همچنین شک مأموم در صورتی که امام شمارهٔ رکعتهای نماز را بداند.

«ششم» شک در نمازهای مستحبّی و نماز احتیاط.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۰

شکهای صحیح

مسأله ۲۴۶–

در نُه صورت اگر در شمارهٔ رکعتهای نماز چهار رکعتی شک کند، بنابر احتیاط مستحب باید فوراً فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، وگرنه به دستورهائی که گفته می‌شود عمل نماید، و آن نُه صورت از این قرار است:

اول– آنکه بعد از تمامی ذکر سجدهٔ دوم شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که سه رکعت خوانده است و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند، و بعد از نماز بنابر احتیاط واجب یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

دوم– شک بین دو و چهار بعد از تمامی ذکر از سجدهٔ دوم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند، و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم– شک بین دو و سه و چهار بعد از تمامی ذکر از سجدهٔ دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد.

چهارم– شک بین چهار و پنج بعد از تمام کردن ذکر از سجدهٔ دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجدهٔ سهو بجا آورد. ولی اگر بعد از سجدهٔ اول، یا پیش از تمامی

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۱

ذکر از سجدهٔ دوم، یکی از این چهار شک برای او پیش آید، نمازش باطل است.

پنجم- شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

ششم- شک بین چهار و پنج در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهّد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

هفتم- شک بین سه و پنج در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهّد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

هشتم- شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهّد بخواند و بعد از سلام نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد.

نهم- شک بین پنج و شش در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهّد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجدهٔ سهو بجاآورد. و نیز بنابر احتیاط واجب دو سجدهٔ سهو برای ایستادن بی‌جا در این چهار صورت بجا آورد.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۲

دستور نماز احتیاط

مسأله ۲۴۷-

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیّت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید، پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهّد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهّد سلام دهد.

مسأله ۲۴۸-

نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند و نیّت آن را به زبان نیاورند، و احتیاط واجب آن است که «بسم اللّه» آن را هم آهسته بگویند.

سجدهٔ سهو

مسأله ۲۴۹-

برای پنج چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجدهٔ سهو به دستوری که بعداً گفته می‌شود بجا آورد:

اول- آنکه در بین نماز، سهواً حرف بزند.

دوم- جائی که نباید نماز را سلام دهد، مثلًا در رکعت اول سهواً سلام بدهد.

سوم- آنکه تشهّد را فراموش کند.

چهارم- آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از تمامی ذکر سجدهٔ دوم

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۳

شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت.

پنجم- آنکه یک سجده را فراموش کند یا اینکه در جائی که باید بایستد مثلًا موقع خواندن حمد و سوره اشتباهاً بنشیند، یا در جائی که باید بنشیند مثلًا موقع خواندن تشهّد اشتباهاً بایستد، در همهٔ این صور، بنابر احتیاط واجب، باید دو سجدهٔ سهو بجا آورد، و در غیر اینها برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند، احتیاط مستحب آن است که دو سجدهٔ سهو بنماید. و احکام این چند صورت در مسائلی گفته می‌شود.

دستور سجدهٔ سهو:

مسأله ۲۵۰-

دستور سجدهٔ سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیّت سجدهٔ سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و احوط این است که بگوید «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ». بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکری را که گفته شد بگوید و بنشیند، و بعد از خواندن تشهّد سلام دهد، و اگر در سجده عوض ذکر سابق بگوید «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» کافی است.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۴

احکام روزه

اشاره

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از نُه چیزی که بعداً گفته می‌شود خودداری نماید.

نیّت

مسأله ۲۵۱-

لازم نیست انسان نیّت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلًا بگوید فردا را روزه می‌گیرم، بلکه همین قدر که بنا داشته باشد برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است. و برای آنکه یقین کند تمام این مدّت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

مسأله ۲۵۲-

انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزهٔ فردای آن نیّت کند، و بهتر آن است که شب اول ماه هم نیّت روزهٔ همهٔ ماه را بنماید.

مسأله ۲۵۳-

وقت نیّت روزهٔ ماه رمضان از اول شب است تا اذان صبح.

چیزهائی که روزه را باطل می‌کند

مسأله ۲۵۴-

نُه چیز روزه را باطل می‌کند:

اول: خوردن و آشامیدن.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۵

دوم: جماع.

سوم: استمناء، و استمناء آن است که انسان با خود یا دیگری غیر از جماع، کاری کند که منی از او بیرون آید.

چهارم: دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام.

پنجم: رساندن غبار به حلق.

ششم: فرو بردن تمام سر در آب.

هفتم: باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.

هشتم: اماله کردن با چیزهای روان.

نهم: قی کردن.

احکام چیزهائی که روزه را باطل می‌کند

مسأله ۲۵۵-

اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، روزهٔ او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، اشکال ندارد.

مسأله ۲۵۶-

اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهائی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و به خیال اینکه روزه‌اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را بجا آورد، روزهٔ او باطل می‌شود.

مسأله ۲۵۷-

اگر چیزی به زور در گلوی روزه‌دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزهٔ او باطل نمی‌شود، ولی اگر مجبورش

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۶

کنند که روزهٔ خود را باطل کند مثلًا به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزهٔ او باطل می‌شود.

مسأله ۲۵۸-

روزه‌دار نباید جائی برود که می‌داند چیزی در گلویش می‌ریزند یا مجبورش می‌کنند که خودش روزهٔ خود را باطل کند، و اگر برود و چیزی در گلویش بریزند، یا از روی ناچاری خودش کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، روزهٔ او باطل می‌شود، بلکه اگر قصد رفتن کند، اگر چه نرود روزه‌اش باطل است.

جاهائی که فقط قضای روزه واجب است

مسأله ۲۵۹-

در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفّاره واجب نیست:

«اول» آنکه در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسألهٔ (۱۶۳۹) گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بیدار نشود.

«دوم» عملی که روزه را باطل می‌کند بجا نیاورد ولی نیّت روزه نکند، یا ریا کند، یا قصد کند که روزه نباشد، یا قصد کند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.

«سوم» آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و به حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.

«چهارم» آنکه در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۷

یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، و نیز اگر بعد از تحقیق با اینکه گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضای آن روز بر او واجب است، بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده باید قضای روزهٔ آن روز را بجا آورد.

«پنجم» آنکه کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفتهٔ او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

«ششم» آنکه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفتهٔ او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

«هفتم» آنکه کور و مانند آن به گفتهٔ کس دیگر افطار کنند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

«هشتم» آنکه در هوای صاف بواسطهٔ تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. ولی اگر در هوای ابر به گمان اینکه مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضا لازم نیست.

«نهم» آنکه برای خنک شدن، یا بی‌جهت مضمضه کند، یعنی آب در دهان بگرداند، و بی‌اختیار فرو رود، و همچنین است بنا بر

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۸

احتیاط واجب اگر مضمضه برای وضوی غیر نماز واجب باشد، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضوی نماز واجب مضمضه کند و بی‌اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

«دهم» آنکه کسی از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیّه افطار کند، لازم است قضا نماید و کفّاره واجب نیست.

مسأله ۲۶۰-

اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی‌اختیار فرو رود یا آب داخل بینی کند و بی‌اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

مسأله ۲۶۱-

مضمضهٔ زیاد برای روزه‌دار مکروه است، و اگر بعد از مضمضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر آن است که سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

مسأله ۲۶۲-

اگر انسان بداند که بواسطهٔ مضمضه، بی‌اختیار یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می‌شود، نباید مضمضه کند.

مسأله ۲۶۳-

اگر در ماه رمضان، بعد از نگاه به افق یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست. و همچنین اگر نگاه کند و احراز نکند که صبح شده، قضا لازم نیست.

مسأله ۲۶۴-

اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی‌تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۸۹
می‌تواند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.

احکام روزهٔ مسافر

مسأله ۲۶۵-

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسأله ۲۶۶-

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی برای فرار از روزه مسافرت مکروه است، و همچنین است سفر قبل از روز بیست و چهارم در ماه رمضان مگر اینکه سفر برای حج یا عمره یا به جهت ضرورتی باشد.

مسأله ۲۶۷-

اگر غیر روزهٔ رمضان روزهٔ معیّن دیگری بر انسان واجب باشد، مثلًا نذر کرده باشد روز معیّنی را روزه بگیرد، بهتر آن است که تا ناچار نشود در آن روز مسافرت نکند. و اگر در سفر باشد، چنانچه ممکن است قصد کند که ده روز در جائی بماند و آن روز را روزه بگیرد. ولی ظاهر آن است که سفر جایز است و قصد اقامه واجب نیست، و در صورتی که روزه نگیرد لازم است روزهٔ آن روز را قضا کند.

مسأله ۲۶۸–

اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزهٔ خود را تمام کند. و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حدّ
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۰
ترخّص برسد، در صورتی که از شب نیّت سفر داشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و الّا بنابر احتیاط واجب روزه را تمام کند و بعداً قضا لازم نیست. و اگر پیش از رسیدن به حدّ ترخّص روزه را باطل کند کفّاره بر او واجب است.

مسأله ۲۶۹–

اگر مسافر در ماه رمضان پیش از ظهر به وطنش برسد یا به جائی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز روزه را بگیرد، و اگر انجام داده، روزهٔ آن روز بر او واجب نیست.

مسأله ۲۷۰–

اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جائی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

مسأله ۲۷۱–

اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمّل کند یا برای او مشقّت دارد، روزه بر او واجب نیست ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیاشامد، و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، بنابر احتیاط روزه‌هائی را که نگرفته قضا نماید.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۱

راه ثابت شدن اول ماه

مسأله ۲۷۲–

اول ماه به چند چیز ثابت می‌شود:

اول– آنکه خود انسان ماه را ببیند.

دوم– عدّه‌ای که از گفتهٔ آنان یقین یا اطمینان پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌ایم. و همچنین است هر چیزی که بواسطهٔ آن یقین یا اطمینان پیدا شود.

سوم– دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، اول ماه ثابت نمی‌شود.

چهارم– سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که بواسطهٔ آن اول ماه رمضان ثابت می‌شود، و سی روز از اول رمضان بگذرد که بواسطهٔ آن، اول ماه شوال ثابت می‌شود.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۳

استفتائات متفرقه

اشاره

مطابق با فتاوای

مرجع عالیقدر شیعه

حضرت آیهٔ اللّه العظمی

حاج شیخ میرزا جواد تبریزی (دام ظله)

دار الصدّیقهٔ الشهیدهٔ علیها السلام

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۵

اجتهاد و تقلید

(۱)

نظر به مسألهٔ ۱۷ منهاج الصالحین در مورد اینکه مکلّف مدتی مقلّد مجتهدی بود، بعد از اینکه آن مجتهد از دنیا رفت این مکلف تقلید کرد از مجتهد دیگری:
اگر این مجتهدی که فعلًا مقلّد اوست در غسل شرطی را معتبر بداند که اوّلی این شرط را معتبر نمی‌دانست و این مکلّف هم در زمان مجتهد اول وقتی که غسل می‌کرد چه غسل جنابت و چه غسل غیر جنابت، آن شرط را مراعات نمی‌کرد و غسل خود را فاقد آن شرط انجام می‌داد، آیا بر طبق آن مسألهٔ ۱۷ این مکلف در زمان مجتهد اوّل- قبلی- در حکم دائم الحدث و دائم الجنابهٔ بوده و باید نمازهایی که در زمان او خوانده و روزه‌هایی که در زمان او گرفته و حجی که در زمان او بجا آورده اعاده کند یا نه؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۶
باسمه تعالی اعمال سابقهٔ او مجزی است و احتیاج به قضاء و اعاده ندارد، و لکن فعلًا باید غسل را بر طبق فتوای مجتهد فعلی بجاآورد، و آنچه در منهاج الصالحین است بر طبق فتوای حضرت آیهٔ الله العظمی خوئی قدس سرّه می‌باشد که ایشان اعمال سابقه را مجزی نمی‌دانند مگر اینکه بر طبق فتوای مجتهد فعلی عملی که انجام شده صحیح و مجزی باشد، البته ایشان در فرض سؤال روزهایی را که شخص گرفته مجزی می‌داند، و الله العالم.

(۲)

اگر این مجتهدی که فعلًا مقلد اوست در تطهیر لباس و غیره شرائطی را معتبر بداند که اوّلی این شرائط را معتبر نمی‌دانست و این مکلّف هم در زمان مجتهد اول در مقام تطهیر اشیاء آن شرائط را مراعات نمی‌کرد و به غیر آن طریقی که دومی معتبر می‌داند تطهیر می‌کرد، آیا در این صورت حکم می‌کنید به صحت حجی که در زمان اوّلی انجام داده و نمازهایی که در زمان اوّلی خوانده و روزه‌هایی که در زمان اوّلی گرفته و یا اینکه بر طبق آن مسألهٔ ۱۷ حکم می‌شود به اعادهٔ این اعمال از باب اینکه بنابر نظریهٔ دومی در تطهیر عادتاً لباسهای این مکلّف و بدنش و اعضایش در زمان اوّلی در حکم متنجس بوده و وضوء و غسل و تیممی که در زمان اوّلی انجام می‌داده با این وضع باطل بوده و نتیجتاً نمازش و روزه‌اش و حجّش هم باطل بوده است؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۷
باسمه تعالی اعمال سابقهٔ او مجزی است و احتیاج به قضاء و اعاده ندارد و لکن فعلًا باید لباس یا بدن را بر طبق فتوای مجتهد فعلی

تطهیر کند، و الله العالم.

(۳)

در صورتی که دوتا مجتهد باشد که تقلید مکلّف مردد است بین آن دو چه اینکه هر دو زنده باشند و یا اینکه هر دو مرده باشند و یا اینکه یکی مرده باشد و دیگری زنده، و مکلّف هم علم داشته باشد به اختلاف آن دو در فتوا و به کیفیات و موارد احتیاط هم عارف باشد و احتیاط هم ممکن باشد، در این فرض در هر یک از سه صورت زیر حکم می‌کنید به وجوب احتیاط:

الف- مکلّف علم دارد که این دو در علم مختلفند ولی نمی‌تواند بدست بیاورد که اعلم آن دو کدامیک است.

باسمه تعالی اگر هر دو زنده هستند، مخیّر است بین آن دو نفر؛ و اگر یکی از آنها مرده است، در آن مسائلی که در زمان حیات او تعلّم کرده مخیّر است باقی بماند و یا به زنده رجوع کند و در مسائلی که تعلّم نکرده باید به شخص زنده که اعلم از دیگران است رجوع کند؛ و اگر هر دو مرده باشند، در آن مسائلی که از هرکدام تعلّم کرده در صورتی که اعلم از احیاء باشد باید باقی بماند و در مسائلی که از هیچ‌کدام تعلّم نکرده باید به اعلم احیاء رجوع کند. و الله العالم.

ب- مکلّف علم دارد به اینکه آن دو در علم متساوی هستند.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۸

ج- مکلّف نه علم دارد به تساوی آن دو در علم و نه هم علم دارد به اختلاف آن دو در علم بلکه احتمال می‌دهد که متساوی باشند و احتمال هم می‌دهد که مختلف باشند.

باسمه تعالی جواب (ب) مانند جواب الف می‌باشد و همچنین است جواب (ج)، اگر در فرض اختلاف احتمال اعلمیت در هر یک از آن دو باشد، و الله العالم.

در این سه صورت، در چه صورتی فتوا می‌دهید به وجوب احتیاط و در چه صورتی از روی احتیاط حکم می‌کنید به وجوب احتیاط که رجوع به غیر در آن جائز باشد؟

در چه صورتی از آن سه صورت حکم می‌کنید به لزوم احتیاط خاص یعنی احتیاط بین این دو مجتهد؟ و در چه صورتی از آن سه صورت حکم می‌کنید به لزوم احتیاط عام یعنی احتیاط بین همهٔ مجتهدین اعم از متقدمین و متأخرین و این دو؟

باسمه تعالی در هیچ یک از صور مزبور احتیاط واجب نیست. و الله العالم.

(۴)

در تعریف مجتهد اعلم می‌گویند: کسی که در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد، آیا این بهتر فهمیدنِ حکم خدا تنها در مسائل شرعی است یا مسائل سیاسی را نیز شامل می‌شود؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۹۹

باسمه تعالی ملاک بهتر فهمیدن حکم شرعی است، و الله العالم.

(۵)

آیا زن می‌تواند فقط در مسائل زنان مرجع آنان شود؟

باسمه تعالی زن نمی‌تواند مرجع تقلید شود، و الله العالم.

(۶)

آیا کسی که می‌تواند محتاط باشد، واجب است که محتاط باشد یا می‌تواند تقلید کند؟
باسمه تعالی می‌تواند تقلید نماید، و الله العالم.

(۷)

مکلّف و ممیّز بعد از مراجعه به حضرتعالی در مسألهٔ بقاء، می‌تواند در همهٔ مسائل مراجعه کرده و باقی نماند؟
باسمه تعالی چنانچه مجتهد سابقی را اعلم بداند، در مسائلی که در زمان حیات آن بزرگوار یاد گرفته باید بر تقلید سابق باقی بماند، و الله العالم.

(۸)

اگر پس از وفات مجتهد، در مسأله‌ای به مجتهد زنده مراجعه کرد، اکنون که همان مجتهد نیز وفات یافته وظیفه‌اش در آن مسأله چیست؟ آیا طبق نظر حی عمل نماید یا یکی از دو مجتهد از دنیا رفته؟
باسمه تعالی در مسائلی که تعلّم کرده در صورتی که مجتهد دوم را اعلم از مجتهد اول و مجتهد حی می‌داند، واجب است بر تقلید مجتهد دوم باقی بماند. و اگر مجتهد اول را اعلم از دومی و همچنین از حی
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۰
بوده، واجب است بر تقلید مجتهد اول باقی بماند. و در صورت شک می‌تواند به حی مراجعه کند. و در مسائلی که یاد نگرفته باید به حی مراجعه نماید، و الله العالم.

(۹)

اگر زن و شوهر هرکدام مرجع تقلیدی دارند، در مسائل اختلافی چگونه عمل نمایند؟
باسمه تعالی هرکدام بر طبق فتوای مرجع تقلیدش عمل می‌کند، و الله العالم.

(۱۰)

نظر مبارک را راجع به کسی که مرجع او از دنیا رفته و همینطور باقی مانده بیان فرمایید؟
باسمه تعالی باید به مجتهد حی رجوع کند، و در مسألهٔ بقاء بر تقلید، فتوی او را مراعات نموده و اعمالش را طبق فتوای او انجام دهد، و اعمال سابقی که بعد از فوت مجتهد اول انجام داده اگر با فتوای مجتهد حی یا با فتوای مجتهد میت- در مسائلی که بقاء در آن مسائل به نظر مجتهد حی جایز است- مطابق است، مجزی است، و الله العالم.

(۱۱)

اگر دو مجتهد برابر باشند، مقلّد می‌تواند از یکی به دیگری مراجعه کند؟ و اگر کسی تنها یک مسأله را عمل کرده باشد می‌تواند به مجتهدی دیگر رجوع کند؟
باسمه تعالی در مسائلی که یاد گرفته، رجوع به غیر نمی‌تواند بکند، مگر در صورت اعلمیت یا محتمل الاعلمیّهٔ بودن دیگری، و

معیار

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۱

جواز رجوع و عدم جواز رجوع در صورت تساوی، یاد گرفتن است نه عمل کردن، و الله العالم.

(۱۲)

با توجه به معرفی عده‌ای از بزرگان در عرصهٔ فقه و فقاهت از سوی حوزهٔ علمیهٔ قم، تشخیص اعلم آنها برای مردم بسیار دشوار است، چه کنند؟

باسمه تعالی باید به اهل خبره رجوع نماید تا مجتهد اعلم یا محتمل الاعلمیّة را از بین آنها تشخیص دهد و از وی تقلید نماید، و تفصیل آنها در رساله مذکور است، و الله العالم.

(۱۳)

دختری است ده‌ساله که احد ابوین او شیعه است، دختر به راه و رسم شیعیان زندگی می‌کند ولی در مورد تقلید و غیره هیچ تصوری د ......

باسمه تعالی چنانچه به اعلمیت مجتهد میت اطمینان پیدا کرده و مسائل را برای عمل یاد گرفته، تقلید محقق شده، و در صورت اعلمیت میت از حی، در همان مسائلی که یاد گرفته باید باقی بماند و در غیر آنها در هر حال باید به حی مراجعه کند، و اگر اعلمیت میت و حی هر دو را احتمال می‌دهد، می‌تواند به حی مراجعه کند، و در مسائل یاد نگرفته در زمان حیات میت باید به حی مراجعه نماید.

(۱۴)

آیا تقلید از مجتهد اعلم واجب است یا از غیر اعلم نیز می‌توان تقلید کرد؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۲

باسمه تعالی در مسائل اختلافی باید به اعلم و یا محتمل الاعلمیّة رجوع کند، و الله العالم.

(۱۵)

آیا تقلید ابتدایی از مجتهد میت در صورتی که مجتهد میت اعلم از مجتهدان زنده و حاضر باشد، وظیفهٔ کسانی که تازه به تکلیف رسیده‌اند، چیست؟

باسمه تعالی تقلید ابتدایی از میت جایز نیست، و باید به اعلم زنده و محتمل الاعلمیّة رجوع کند، و الله العالم.

(۱۶)

می‌توان در مسائلی که انسان از مجتهد میت پیروی نکرده، از مجتهد میت تقلید کرد؟

باسمه تعالی در بقای بر تقلید میت، عمل شرط نیست، و در مسائلی که در زمان حیات او تعلّم گردیده، در صورتی که اعلم از احیاء باشد، در آن مسائل باید باقی بماند، و اگر احتمال اعلمیت میت را می‌دهد، در مسائلی که در زمان حیات او یاد گرفته می‌تواند به تقلید او باقی باشد، و در مسائلی که در زمان حیات او یاد نگرفته در هر صورت باید به مجتهد زنده رجوع کند، و الله العالم.

(۱۷)

اگر مجتهد میت از مجتهدان زنده اعلم باشد، تقلید از او واجب است؟ در صورت برابری چطور؟
باسمه تعالی در مسائلی که در زمان حیات او تعلّم کرده، اگر میت اعلم از احیاء باشد، باید باقی بماند، و در فرض تساوی و یا احتمال
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۳
اعلمیت در هر دو، فرد در آن مسائل مخیّر است، و در بقیهٔ مسائل باید به حی رجوع کند، و الله العالم..

(۱۸)

اگر بگوییم: تقلید از مجتهد میت اعلم واجب است، می‌توان در برخی مسائل از مجتهد زنده تقلید کرد؟
باسمه تعالی پاسخ این مسأله از جواب بالا معلوم شد، و الله العالم.

(۱۹)

اگر مجتهد میت از مجتهد زنده عالم‌تر باشد، آیا مقلّد می‌تواند در مسائلی که در زمان حیات وی از او فرا گرفته، بر طبق نظر مجتهد زنده عمل نماید؟
باسمه تعالی باید در فرض مذکور بر تقلید بر میت اعلم باقی باشد، و الله العالم.

(۲۰)

آیا بعضی از مسائلی را که از مجتهد فوت شده یاد گرفته‌ام، می‌توانم در آنها از او پیروی کرده و دیگر مسائل را از حضرتعالی تقلید نمایم؟
باسمه تعالی در صورت احراز اعلمیت میت از حی، در همهٔ مسائل یاد گرفته در زمان حیات مرجع اوّلی باید بر تقلید میت اعلم باقی بمانـد، و در صورت احتمال اعلمیت می‌توان در آن مسائل باقی باشـد و می‌توانـد به حی رجوع کنـد، و در بقیـهٔ مسائل بایـد به حی رجوع کند، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۴

(۲۱)

حکم در صورت تشخیص ندادن اعلمیّت حی و میت چیست؟
باسـمه تعالی می‌توانـد در تقلیـد میت در مسائلی که در حیات او یاد گرفته باقی بمانـد، و در بقیـهٔ مسائل باید به حیّ أعلم یا محتمل الاعلمیّهٔ رجوع کند، و الله العالم.

(۲۲)

در چه مسائلی باید بر مجتهد اعلم مرده باقی بوده، و چه مسائلی را به عالم زنده مراجعه کرد؟
باسـمه تعالی در مسائلی که در زمان حیات میت اعلم یاد گرفته واجب است بر تقلیـد میت باقی بمانـد، و در بقیـهٔ مسائل باید به حی

مراجعه کند، و الله العالم.

(۲۳)

پس از جستجوی کافی، اگر چند مجتهد یکسان باشند، آیا می‌توان در برخی مسائل از یک نفر، و بعضی را از دیگری و یا از سومی تقلید کرد؟

باسمه تعالی در جایی که عمل واحد به فتوای هر دو یا هر سه با تبعیض در تقلید باطل می‌شود، تبعیض جایز نیست، و در غیر این مورد تبعیض در تقلید مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۴)

اگر شخصی مجتهدش فوت نماید، و بنابر تقلید از مجتهد زنده، به عالم زنده نیز رجوع نماید و دومی نیز پس از چندی فوت نماید، اینک بایستی از کدام‌یک تقلید کند؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۵

باسمه تعالی هرکدام از مراجع فوت شده که اعلم از دیگران و از مجتهد حی است، در مسائل یاد گرفته از وی بر تقلید او باقی می‌ماند، و در صورت احتمال اعلمیت در هر سه نسبت به دیگری می‌تواند به حی مراجعه کند، و در مسائلی که از آن دو یاد نگرفته باید به حی رجوع کند، و الله العالم.

(۲۵)

نظر حضرتعالی در بقای بر تقلید از میت چیست؟

باسمه تعالی چنانچه میت اعلم باشد، در مسائلی که در زمان حیات از او تعلّم کرده باید بر تقلید او باقی باشد و در بقیهٔ مسائل باید به حی رجوع کند، و چنانچه اعلمیت میت را احراز نکرده در مسائلی هم که در زمان حیات از او تعلّم کرده می‌تواند به حی رجوع کند و می‌تواند بر تقلید میت باقی باشد، و در بقیهٔ مسائل باید به حی رجوع کند، و الله العالم.

تبریزی، جواد بن علی، رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)؛ ص: ۱۰۵

(۲۶)

شخصی بعد از فوت مرجع خود متوجه شد اعمالی که انجام داده، بر طبق فتوای او نبوده، و همچنین اعمالش مطابق فتوای مرجع حی هم نیست، و برای آگاهی از فتوای مجتهد حی تلاش نکرد تا اینکه به مجتهد حیّ دیگر مراجعه کرد که اعمالش مطابق با فتوای اوست، در این صورت اعمال او چه صورتی دارد؟

باسمه تعالی چنانچه تقلید از مرجع سوم بر طبق مجوز شرعی باشد، باید در وجوب اعاده یا اکتفا به اعمال گذشته بر طبق نظر وی عمل کند،

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۶

و الله العالم.

(۲۷)

شخصی با اذن و اجازهٔ مجتهد زنده، در تقلید میت باقی ماند، اکنون مجتهد دومش هم فوت نموده. آیا می‌توان با اذن و اجازهٔ یک مجتهد زنده در تقلید مجتهد اوّلی باقی بماند یا باید از مجتهد حی مستقلًا تقلید نماید؟
باسمه تعالی باید به اعلم احیاء یا محتمل الاعلمیّهٔ رجوع کند و در بقای بر تقلید میت و خصوصیات آن بر طبق فتوای او عمل کند، بر حسب فتوای ما چنانچه میت اول اعلم بوده باید در مسائلی که در زمان حیات از او یاد گرفته بر تقلید او باقی باشد و در بقیهٔ مسائل به حی رجوع کند، در غیر این صورت می‌تواند در مسائلی هم که در زمان حیات از او تعلّم کرده به حی رجوع کند، و الله العالم.

(۲۸)

بنده در دو یا سه مسأله از مجتهدی که تازه فوت کرده تقلید نمودم و پیشتر هم مقلّد مرجع دیگری بوده‌ام که او هم فوت نموده، حال بنا بر اذن مجتهد زنده بر کدام یک از دو مجتهد فوت کرده باقی بمانم؟ یا از مجتهد حی تقلید کنم؟
باسمه تعالی هرکدام از مراجع میت اعلم از حی باشد در مسائلی که از وی یاد گرفته واجب است باقی بماند، و در مسائلی که در زمان حیات مرجع سابق یا اسبق یاد نگرفته باید به حی مراجعه نماید، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۷

(۲۹)

این جانب اکنون مقلّد شخصی بوده‌ام که فوت نموده، آیا اجازه می‌فرمایید که در مسائل جدید روز مقلّد حضرتعالی باشم؟
باسمه تعالی بقای بر تقلید میت در مسائلی که در حال حیات وی تعلّم نکرده‌اید جایز نیست و باید به حی رجوع نمایید، و الله العالم.

(۳۰)

این جانب بعلت عدم آشنائی با مسائل، بعد از رسیدن به سن تکلیف از مجتهد میت تقلید کردم، پس از مدتی مسأله برایم روشن شد، تکلیف بنده در مورد اعمال و عبادتهای گذشته چگونه می‌باشد؟
باسمه تعالی به رسالهٔ عملیهٔ مجتهدی که فعلًا باید از او تقلید کنید مراجعه کنید، اگر اعمال سابقتان بر طبق فتاوی او بوده مجزی است، و الله العالم.

(۳۱)

اگر چند مرجع یکسان باشند یا احتمال اعلمیت در بعضی وجود داشته باشد، آیا می‌توان بعضی از مسائل را از یکی، و باقیمانده را از دیگری تقلید کرد؟ و آیا می‌توان از مجتهدی به مجتهد دیگر رجوع کرد؟
باسمه تعالی در صورتی که احتمال اعلمیت مختص به یکی باشد، تقلید از او متعیّن است، و در صورتی که احتمال اعلمیت در هرکدام موجود باشد می‌توان با تبعیض مسائل یا بدون آن هر یک از آنها تقلید
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۸
کرد، و ظن به اعلمیت یکی از آنها اعتبار ندارد لکن اگر در این صورت در بعضی از مسائل از یکی تقلید کرده نمی‌تواند در آن

مسائل به دیگری عدول کند، مگر آنکه محرز شود که دومی اعلم است یا احتمال اعلمیت مختص به او شود، و الله العالم.

(۳۲)

در صورت فراهم بودن شرایط نماز جمعه، حضرتعالی آن را احتیاط واجب می‌دانید، آیا کسی که مقلد شماست می‌تواند در این مسأله از مجتهدی تقلید کند که نماز جمعه را واجب نمی‌داند؟

باسمه تعالی می‌تواند با رعایت الاعلم فالاعلم از مجتهد دیگری تقلید کند، و الله العالم.

(۳۳)

اگر از مجتهدی تقلید صحیحی کرده، می‌تواند بعد از فوت یا در حیات وی به مجتهد دیگری که در آن مسأله نظری موافق دارد استناد داده و از او تقلید نماید و لو دوّمی غیر اعلم باشد و وجه عمل را مغایر آنچه اوّلی نظر دارد بداند؟ در صورت اختلاف فتوی آیا موردی هست که تخییر باشد بین بقاء بر تقلید سابق از حی به میت و عدول به مجتهدی دیگر؟

باسمه تعالی عدول از حی به حیّ دیگر جایز نیست مگر آنکه مجتهد ثانی اعلم یا محتمل الاعلمیّهٔ باشد، و استناد به فتوا لازم است استناد به شخص اثری ندارد و در صورت اتفاق در رأی، فتوای هر یک می‌تواند استناد کند، و در صورت اختلاف باید به اعلم مراجعه کند، و در

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۰۹

صورت تساوی حی با حی فرضاً یا اگر هر دو محتمل الاعلمیّهٔ باشند مکلّف مخیّر است هر یک مراجعه کند، و چنانچه میت محتمل الاعلمیّهٔ باشد در مسائلی که در زمان حیات او یاد گرفته مخیّر است به تقلید میت باقی بماند یا به حی رجوع کند، و در مسائل دیگر باید به حی مراجعه کند. و الله العالم.

(۳۴)

در رسالهٔ حضرتعالی آمده: گمان به اعلمیت یک مرجع کافی نمی‌باشد، منظور چیست؟

باسمه تعالی اگر هر یک از دو مرجع محتمل الاعلمیّهٔ نسبت به دیگری باشند، مکلّف مخیّر است به هر یک مراجعه کند و گمان به اعلمیّت یکی موجب ترجیح نمی‌شود، و الله العالم.

(۳۵)

شخصی که متوجه مسألهٔ تقلید نبود، اما مسأله‌ای که برایش پیش می‌آمد از رسالهٔ مجتهد وقت اخذ می‌نموده و عمل می‌کرد. آیا این مقدار برای تحقق تقلید و بقای پس از وفات او کافی است؟

باسمه تعالی در صورتی که وظیفه‌اش تقلید از آن مجتهد بوده کافی است، و الله العالم.

(۳۶)

زن و شوهری، هرکدام مقلّد یک مرجع تقلید می‌باشند، مسلماً گاهی از دیدگاههای آن دو بزرگواران با هم فرق دارد، مثلًا

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۰

مجتهدی خون در تخم مرغ را نجس و مجتهد دیگر پاک می‌داند، بنابراین باعث عسر و حرج می‌شود، چه کنند؟

باسمه تعالی مرجع تقلیدِ هرکدام اعلم باشد، آن دیگری نیز باید از او تقلید کند، و تقلید از مجتهد دیگر مجزی نیست، و اگر هرکدام مجتهد خود را از دیگری اعلم تشخیص بدهد با موازینی که در رسالهٔ عملیه ذکر شده باید از مجتهد خود تقلید کرده و به فتوای او عمل کند، و الله العالم.

(۳۷)

با فوت مرجع تقلید وظیفهٔ مقلّدان آن مرحوم چه خواهد بود؟ آیا می‌توانند بدون رجوع به مجتهد زنده، یعنی بی‌آنکه در مسألهٔ بقای بر میت از زنده‌ای بپرسد، به تقلید خود از آن مرحوم ادامه دهد؟

باسمه تعالی چنانچه مرجع تقلید وفات کند، فتوای او در مسألهٔ بقای بر میت اعتبار ندارد، لازم است مقلّد او در مسألهٔ جواز بقا یا وجوب آن با سایر خصوصیات لازمه رجوع کند به مجتهد حی که اعلم از سایر احیاء یا محتمل الاعلمیّهٔ است، و الله العالم.

(۳۸)

پس از آنکه شخص تنها در مسألهٔ بقای بر میت به حضرتعالی مراجعه کرد، آیا می‌تواند همهٔ مسائل را از او پیروی کند؟

باسمه تعالی چنانچه مجتهد سابقی را اعلم بداند، در مسائلی که در زمان حیات آن بزرگوار یاد گرفته باید بر تقلید سابق باقی بماند، و در

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۱

بقیهٔ مسائل باید به مجتهد زنده رجوع کند، و الله العالم.

(۳۹)

در مسائلی که احتیاط واجب دارید، می‌توان به مرجع دیگر رجوع نمود؟

باسمه تعالی رجوع به مجتهد دیگر در مسائل مزبور با رعایت الاعلم فالاعلم مانعی ندارد، و الله العالم.

(۴۰)

پس از اینکه در مسألهٔ بقاء بر تقلید به حضرتعالی مراجعه کردم، می‌توانم در برخی مسائلی که حضرتعالی آسان‌تر گرفته‌اید رجوع نمایم؟

باسمه تعالی اگر مجتهد سابق اعلم باشد، نسبت به مسائلی که در حال حیات از او یاد گرفته باید به فتاوی او عمل نمایید، و در بقیهٔ مسائل باید به مجتهد زنده رجوع کنید و اگر مجتهد میت محتمل الاعلمیّهٔ باشد، در مسائلی هم که در زمان حیات او یاد گرفته‌اید می‌توانید به مجتهد زنده رجوع کنید، و الله العالم.

(۴۱)

اگر چند مرجع در یک سطح باشند، آیا شخص می‌تواند برخی مسائل را از یکی و برخی دیگر را از مجتهدی دیگر فرا بگیرد؟

باسمه تعالی تبعیض در تقلید از متساویین جایز است، در صورتی که موجب علم به بطلان عمل واحد به فتوای هر دو یا مخالفت قطعیّه در دو عمل نشود، و الله العالم.

(۴۲)

اگر مجتهدی اعلم باشد و مجتهد دیگر باتقواتر باشد ولی

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۲

علمش کم است، آیا تقلید از عالم باتقواتر جایز است؟

باسمه تعالی در صورت اختلاف در فتوا باید از اعلم تقلید کرد، و الله العالم.

(۴۳)

اگر مجتهدی دوازده امام نباشد اما عادل باشد، می‌شود از وی تقلید کرد؟

باسمه تعالی تقلید از وی جایز نیست، و الله العالم.

(۴۴)

آیا شخص شیعه می‌تواند از عالم اهل سنت تقلید کند، با این شرط که دیدگاههای وی مطابق با شیعه باشد؟

باسمه تعالی شرط مرجع تقلید «ایمان» است با سایر شروط که در رسالهٔ عملیه آمده است، و الله العالم.

(۴۵)

مجتهدی که همهٔ شرایط را دارا باشد، اما حریص به دنیا باشد، می‌شود از او تقلید کرد؟

باسمه تعالی اگر عادل است می‌توان تقلید کرد، و الله العالم.

(۴۶)

برای شناخت اعلم از مراجع، قول چه کسی از افراد مقدم است؟

باسمه تعالی قول هرکدام از چند نفر که خبرویّت آنها اقوی است مقدم است، و الله العالم.

(۴۷)

در مورد مسأله‌ای بعد از فتوا می‌فرمایید «بعید نیست حکم

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۳

مسأله چنین باشد» مراد فتوی یا احتیاط است؟

باسمه تعالی فتوی است. و الله العالم.

(۴۸)

مقلّدی که نسبت به اعلم بودن مجتهد فوت شده شک دارد و در مسألهٔ بقای بر تقلید میت نیز به حضرتعالی رجوع نموده، در مسائل عمل شده هم می‌تواند به فتوای شما عمل نماید؟

باسمه تعالی در فرض سؤال، می‌تواند، و الله العالم.

(۴۹)

آیا تقلید صرفاً عمل کردن است یا التزام به عمل در تقلید کافی است؟

باسمه تعالی تقلید یعنی عملی که مستند به فتوای مجتهد است، و در بقای بر تقلید میت عمل لازم نیست، بلکه تعلّم فتوی کافی است، و التزام به عمل نمودن به فتوای مجتهد اثری ندارد، و الله العالم.

(۵۰)

در مورد احتیاط واجب به چه کسی مراجعه شود؟

باسمه تعالی در مواردی که ما احتیاط کرده‌ایم، می‌توانید به مجتهد دیگر با رعایت الاعلم فالاعلم مراجعه کنید، و الله العالم.

(۵۱)

رجوع به مجتهدی در تقلید با شهادت دو نفر عادل چگونه است؟

باسمه تعالی اگر بعد از آن به طریق معتبر اعلم یا محتمل الاعلمیّهٔ بودن مرجعی را که به او رجوع کرده احراز کند، رجوع سابق او صحیح

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۴

می‌شود، و الله العالم.

(۵۲)

رجوع از مرجع حی به مرجع دیگر چگونه تحقق می‌یابد؟

باسمه تعالی چنانچه به وجه شرعی محرز شود که دومی اعلم یا خصوص او محتمل الاعلمیّهٔ است باید به او رجوع کند، و الله العالم.

(۵۳)

این جانب مقلّد مرجعی بودم که فوت نموده و چند فتوی از ایشان را یاد گرفتم و عمل نموده‌ام، در حال حاضر در نظر دارم در تمام مسائل مقلّد حضرتعالی باشم، آیا اجازه می‌فرمایید؟

باسمه تعالی چنانچه اعلمیت ایشان را احراز نموده‌اید باید در آن مسائلی که در زمان حیات ایشان یاد گرفته‌اید باقی بمانید، و در بقیهٔ مسائل به حی مراجعه کنید، و اگر مجتهد میت محتمل الاعلمیّهٔ باشد می‌توانید در همه مسائل به حی رجوع کنید، و الله العالم.

(۵۴)

کسی که مرجع تقلید برگزیده، آیا می‌تواند در بعضی از مسائل رجوع به مجتهدی دیگر نماید؟

باسمه تعالی اگر مجتهد اعلم باشد و احتمال اعلمیّت فقط در او باشد، تقلید او متعین است، و الله العالم.

(۵۵)

برای تشخیصِ اعلم، آیا اهل فن باید مجتهد باشد؟

باسمه تعالی لازم نیست مجتهد باشد، ولی باید در حدّی از علمیّت باشد که مجتهد را از غیر مجتهد و اعلم را از غیر اعلم تشخیص دهد،

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۵

و الله العالم.

(۵۶)

آیا انسان می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که یقین به اعلمیّت او نداشته باشد، با توجه به اینکه احتمال اعلمیّت دیگری را بدهد؟

باسمه تعالی اگر فقط در یک شخص از دو نفر احتمال اعلمیّت می‌دهد، از همان باید تقلید کند، و الله العالم.

(۵۷)

کسانی که جدیداً بالغ می‌شوند و با تحقیق و بررسی از اهل خبره نتوانستند به نتیجهٔ قطعی برسند، تکلیف آنها چیست؟

باسمه تعالی نظر کسانی که خبرویّت آنها اقوی است اخذ می‌شود، و اگر اقوی در بین نبود از مجتهدی که محتمل الاعلمیّهٔ است باید تقلید کند، و اگر در همه احتمال اعلمیّت بدهد در تقلید مخیّر است، و الله العالم.

(۵۸)

لطفاً محدودهٔ فروع دین و احکام فقهی (تقلیدی) و موضوعات (غیر تقلیدی) را بیان فرمایید؟

باسمه تعالی مکلّفی که مجتهد نیست در همهٔ عبادات و معاملات و کارهایی که انجام می‌دهد یا ترک می‌کند باید مقلّد باشد، یا احتیاط کند، مگر مواردی که از مسلّمات است، مانند اصل وجوب نماز و روزه و... و در اعتقادات تقلید جایز نیست و تشخیص مصادیق موضوعات به عهدهٔ خود مکلف است، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۶

(۵۹)

شخصی بدون تحقیق به فتوای مجتهد وقت رفتار کرده، آیا این مقدار برای تحقق تقلید و بقای پس از فوت او کافی است؟

باسمه تعالی اگر صاحب رساله واجد شرایط تقلید بود، در آن مسائلی که در زمان حیات از او یاد گرفته می‌تواند به تقلید او باقی باشد، بلکه اگر اعلم بود باید در آن مسائل بر تقلید او باقی باشد، و الله العالم.

(۶۰)

آیا پس از اینکه از مجتهدی تقلید کرد، می‌تواند رجوع کند به مجتهد دیگر یا باید به اعلم رجوع کند؟

باسمه تعالی اگر مجتهد دوم اعلم یا خصوص او محتمل الاعلمیّهٔ باشد، باید به او رجوع کند، و الله العالم.

(۶۱)

کسی که تا اندازه‌ای آگاه است، و حکم را بهتر فهمیده، از این رو در برخی مسائل احتمال می‌دهد مجتهد زنده آگاه‌تر است، آیا در مسائلی که به اعلم بودن او یقین ندارد می‌تواند به مجتهد زنده رجوع کند؟

باسمه تعالی در فرض مزبور می‌تواند به حی مراجعه نماید، و الله العالم.

(۶۲)

اگر کسی در اعلم بودن حی یا میت مردد باشد، با توجه به فتوای حضرتعالی مبتنی بر وجوب بقاء بر تقلید اعلم آیا می‌تواند به
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۷
مجتهد زنده رجوع کند؟
باسمه تعالی در فرض سؤال می‌تواند به حی مراجعه نماید، و الله العالم.

(۶۳)

آیا عمل بدون تقلید مطلقاً حرام است یا بطلانش در صورتی است که مطابق تقلید صحیح نباشد؟
باسمه تعالی باطل است، مگر آنکه مطابق با واقع یا تقلید صحیح باشد، و الله العالم.

(۶۴)

آیا منظور از یقین در رسالهٔ عملیه اطمینان است یا علمی که احتمال خلاف در آن راه نداشته باشد؟
باسمه تعالی در غیر مرافعات و بعض موارد حکم حاکم، اطمینان در حکم یقین است، و الله العالم.

(۶۵)

اگر مکلّفی ۵ الی ۶ سال عبادتش را بدون تقلید انجام دهد، وظیفه‌اش چیست؟
باسمه تعالی به مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از اوست رجوع می‌کند، چنانچه اعمال گذشته به حسب فتوای او صحیح بود اعادهٔ آن لازم نیست، و الله العالم.

(۶۶)

آیا زن می‌تواند مرجع تقلید شود؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۸
باسمه تعالی زن نمی‌تواند مرجع تقلید شود، و الله العالم.

طهارت

نجاسات

(۶۷)

نمازگزار یادش رفته لباس نجس بوده حکم نماز او چگونه است؟ وظیفهٔ او نسبت به خبر دادن به نجاست به دیگران چگونه است؟
باسمه تعالی اگر بدن یا لباسش نجس شده و بعد از اطلاع از نجاست از روی فراموشی در بدن یا لباس نجس نماز خوانده، نمازهای

مزبور را باید اعاده کند، و نسبت به دیگران اعلام لازم نیست مگر اینکه بخواهد چیز نجس را به آنها بدهد و علم یا اطمینان داشته باشد که موجب تنجیس غذا یا آب آشامیدنی یا آب وضو و غسل آنها می‌شود که در این صورت باید اعلام نماید، و الله العالم.

(۶۸)

آیا باد معده پاک است؟ اگر به مرور زمان رنگ لباس عوض شود، چطور؟
باسمه تعالی باد معده پاک است هرچند به مرور زمان رنگ لباس تغییر کند، و الله العالم.

(۶۹)

اگر جایی که آلوده به نجاست است مرطوب باشد ولی ندانیم دقیقاً کجای آن نجس است، در این صورت آیا تماس با جایی
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۱۹
که شک دارد نجس است موجب نجاست دست می‌شود؟
باسمه تعالی اگر احتمال می‌دهید رطوبت پاک باشد، دست نجس نمی‌شود، و الله العالم.

(۷۰)

آیا بین چند چیزی که یکی نجس است باید از همه اجتناب کرد؟
باسمه تعالی اجتناب از اطراف علم اجمالی نجس لازم است، ولی اگر چیز پاک با یکی از اطراف ملاقات کند حکم به نجاست نمی‌شود، و الله العالم.

(۷۱)

اگر قسمتی از طناب لباس نجس است لکن نمی‌دانیم کدام قسمت است، آیا از همهٔ طناب باید اجتناب کرد؟
باسمه تعالی چنانچه لباس یا دست با بعضی از قسمتهای طناب مذکور ملاقات کند، حکم به نجاست نمی‌شود و اجتناب از آن لباس لازم نیست مادامی که با بقیهٔ قسمتهای طناب آن لباس یا لباس پاک دیگر ملاقات نکند، و الّا اجتناب از لباس لازم است، و الله العالم.

(۷۲)

اگر بدن شخصی اصابت به لباس من که نجس است کرد باید به او بگویم؟
باسمه تعالی چنانچه علم یا اطمینان دارید که موضع نجس لباس با اعضاء وضو ملاقات می‌کند و آن را نجس می‌نماید، در صورتی که خودتان سبب نجاست شدید بنابر احتیاط باید اعلام کنید، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۰

(۷۳)

اگر شیء پاک به عین نجاست برخورد کرد لکن چون هر دو خشک هستند شک حاصل می‌شود به نجاست، آیا به شک باید اعتناء کرد؟

باسمه تعالی در صورت شک اعتناء نمی‌شود، و الله العالم.

(۷۴)

دیوارهای نزدیک توالت گاهی آب نجس به آنها پاشیده می‌شود در آن نفوذ می‌کند، در این صورت دیوار نجس می‌شود؟

باسمه تعالی چنانچه بخار نفوذ کرده، بخار و دیوار پاک است، و اگر خود آب نجس نفوذ کرده و دیوار خیس شده، دیوار نجس شده است، و الله العالم.

(۷۵)

زمین که نجس شد، آیا با یک‌دفعه شستن پاک می‌شود؟

باسمه تعالی یک بار شستن کافی است مگر اینکه زمین متنجس به بول شود که با آب قلیل دو بار باید شسته شود، و الله العالم.

(۷۶)

لباس پاکی که رطوبت قابل انتقال داشت روی بند جهت خشک شدن قرار داشت، لباس نجس خشک به آن اصابت نمود شک حاصل شد که در هنگام اصابت، لباس پاک خشک شده بود یا خیر؟

باسمه تعالی در فرض مزبور لباس محکوم به نجاست است، و الله العالم.

(۷۷)

اگر شخصی با خود بازی کند، اما هنگام خروج منی از خروج آن جلوگیری نماید و منی خارج نشود، آیا این عمل حرام

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۱

است؟

باسمه تعالی این عمل خالی از اشکال نیست، و الله العالم.

(۷۸)

کسی که از خواب بلند می‌شود در لباسش چیزی ببیند که نداند منی است یا نه، حکمش چیست؟

باسمه تعالی اگر قبلًا از او منی خارج نشده بود یا خارج شده و سپس بول کرده، حکم منی را ندارد، و الله العالم.

(۷۹)

کسی که بعد از بول و طهارت رطوبتی از او خارج می‌شود، آیا این رطوبت پاک است؟ در صورتی که قبل از رطوبت وضو ساخته باشد، نمازش چه صورت دارد؟

باسمه تعالی اگر نداند که بول است، در صورتی که استبراء کرده باشد، آن قطره پاک است و می‌تواند نماز بخواند، و اگر استبراء نکرده باشد محکوم به بول است، و الله العالم.

(۸۰)

این قاعده کلی است که: «هر چیز مسکر و مایع باشد نجس است»، اگر الکل بخودی خود مسکر نباشد، لکن جهت درمان با مخلوط نمودن بعض مواد مسکر شود آیا این صورت پاک است؟

باسمه تعالی چیزی که مسکر فعلی نیست تا مادامی که مبدّل به مسکر نشده پاک است، و الله العالم.

(۸۱)

آیا خون لخته شده نجس است؟ و اگر رطوبتی به خون لخته شده برسد موجب انتقال نجاست است؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۲

باسمه تعالی خون لخته شده نجس است، و اگر جسم طاهر با آن همراه با رطوبت مسریه ملاقات کند نجس می‌شود، و الله العالم.

(۸۲)

اگر فرش منزل نجس باشد، آیا لازم است به مهمان خبر دهیم یا خیر؟

باسمه تعالی لازم نیست، و الله العالم.

(۸۳)

آیا اجتناب از ملاقی متنجس مطلقاً لازم است؟ و فرقی بین واسطهٔ اول و غیر اول وجود دارد؟

باسمه تعالی بنابر احتیاط واجب اجتناب از ملاقی متنجس مطلقاً لازم است، و فرقی بین واسطهٔ اول و غیر اول نیست، و الله العالم.

مطهّرات

(۸۴)

اگر ماشین در حال آب کشیدن، طوری لباس را بگرداند که غُساله خارج شود و دو بار لباس را آب بکشد، آیا لباس پاک می‌شود؟

باسمه تعالی چنانچه در حالی که لباس چرخانده می‌شود تا آب آن خارج گردد، آب به اطراف داخل لباسشویی در بار اول پاشیده شود، باید آب کُر در بار دوم تمام مواضع نجس‌شده‌ای را که با لباس ملاقات می‌کند فرا بگیرد و لباس در همان حال اتصال شسته شود و پس از آن غساله خارج شود تا لباس پاک شود، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۳

(۸۵)

بنا بر احتیاط واجب مخرج بول باید دو بار شسته شود، آیا شستن دوم می‌تواند بلافاصله بعد از شستن اول باشد؟ یا باید صبر شود تا غسالهٔ شستن اول بول خارج شود؟

باسمه تعالی باید فاصله بیفتد که دو دفعه صدق کند، یک‌دفعه مستمر کفایت نمی‌کند. و الله العالم.

(۸۶)

اگر به توالت برویم و ببینیم روی آفتابه خیس است، در صورتی که شک کنیم خیسیِ آن از بول است یا نه، آیا باید به شک خود اعتناء کنیم یا خیر؟

باسمه تعالی محکوم به طهارت است، و الله العالم.

(۸۷)

در حالی که لیوان در دست است، قطره‌ای نجس به دست اصابت می‌کند و ناگهان آب لیوان ریخته شد، حکم آب لیوان چه خواهد بود؟

باسمه تعالی اگر آب لیوان با آب نجس یا دست نجس ملاقات نکرده یا مشکوک است، محکوم به طهارت است، و الله العالم.

(۸۸)

اگر عمداً چیز تیزی به بدن زد و تکه پوستی یا گوشتی از بدن آویزان شد، آیا با آب کشیدن آن تکه پاک می‌شود؟

باسمه تعالی بین صورت عمد و سهو در این حکم فرقی نیست، و گوشت و پوستی که متصل به بدن است نجس نیست، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۴

(۸۹)

در رساله آمده: «اگر کسی استبراء نکند ولی مدت طولانی از بول کردنش بگذرد» آیا این زمان یک ساعت و دو ساعت را شامل می‌شود؟

باسمه تعالی اگر اطمینان دارد آنچه خارج شده از اجزای باقی مانده بول سابق نیست، محکوم به طهارت است، و الله العالم.

(۹۰)

با توجه به آنچه در رساله آمده که: «پس از بول، رطوبت بیرون می‌آید» کسی که همیشه استبراء می‌کند، اما چند چکه رطوبت پس از آن می‌بیند، این چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی اگر احتمال بدهد که بول نباشد، محکوم به طهارت است، و الله العالم.

(۹۱)

چیزی که می‌داند قبلًا پاک بود، و پس از گذشت مدتی تردید می‌کند که آن شیء نجس شده یا خیر، تکلیف چیست؟

باسمه تعالی محکوم به طهارت است و زمان شک او فعلًا متصل به زمان یقین است و همین مقدار برای جریان استصحاب کافی است، و اگر استصحاب هم نبود مورد قاعدهٔ طهارت بود، و الله العالم.

(۹۲)

ماشین لباسشویی که به آب کُر وصل است و عین نجاست را از بین می‌برد، هنگامی که مقداری آب و کف ماند آیا پاک است؟
باسمه تعالی چنانچه در زمان شستن آب قطع نشود و در مواردی که
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۵
تعدد شرط است، مثل لباس متنجس به بول، دو مرتبه بشوید پاک می‌شود، و الله العالم.

(۹۳)

وظیفهٔ ما در مورد روزنامه پاره‌هایی که روی زمین و زیر پا ریخته شده، به گمان اینکه شاید دارای اسماء جلاله باشد، و در حالی که جمع‌آوری آنها مستلزم وقت و مشقت است چیست؟
باسمه تعالی با علم به اینکه اسماء جلاله در آن است باید بردارید، و در صورت شک، برداشتن لزومی ندارد، و الله العالم.

(۹۴)

کسی که دندان پر کرده، همانطور که داخل دهان خود به خود تطهیر می‌شود، و اگر آن نیز نجس شود به تبع دندان پاک می‌شود، آیا دندان مصنوعی هم به تبع دهان پاک می‌گردد؟
باسمه تعالی بنابر احتیاط، چنانچه نجاست خارجی وارد دهان شده، قسمت پر شده و دندان مصنوعی در طهارت تابع دهان نیستند، و الله العالم.

(۹۵)

اگر پوستهای مختصر لب جدا شد، پاک است، آیا در صورتی که با درد و فشار از روی بدن کنده شود بدون آمدن خون بازهم پاک است؟
باسمه تعالی در هر دو صورت پاک است، و الله العالم.

(۹۶)

بولی که بر روی زمین ریخته شده، آیا با نور آفتاب پاک
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۶
می‌شود؟ اگر آب به رویش بریزید بعد آفتاب بتابد چطور؟
باسمه تعالی در پاک شدن زمین نجس از راه خشک شدن با تابش آفتاب فرقی نمی‌کند که زمین به رطوبت نجس، مرطوب باشد یا با ریختن آب خیس شده باشد و لکن باید عین نجاست زائل شده باشد با تحقق سایر شرایطی که در رساله مذکور است، و الله

العالم.

(۹۷)

آیا در تطهیر لباس در آب کُر و جاری، می‌توان در داخل آب فشار داد تا غساله‌اش خارج شود؟
باسمه تعالی در فرض سؤال در زیر آب هم کفایت می‌کند، ولی باید به مقدار متعارف غساله خارج شود، و الله العالم.

(۹۸)

آیا با رطوبت دست می‌توان چیز نجس را تطهیر کرد، مثلًا بار اول دست راست را بر نجس بکشد و بار دوم دست چپ را؟
باسمه تعالی باید شسته شود و کیفیت مذکور کفایت نمی‌کند، و الله العالم.

(۹۹)

آیا بخار آب داغ نجس هم نجس است؟
باسمه تعالی پاک است، و الله العالم.

(۱۰۰)

راه خلاصی از وسواس در احکام نجاسات و طهارات چیست؟
باسمه تعالی باید اعتنا نکرد، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۷

(۱۰۱)

در کاغذی که اسم پیغمبر یا امام نوشته شده، اگر در مستراح بیفتد بیرون آوردن و آب کشیدن آن واجب است یا نه؟ لقب و کنیه چطور است؟
باسمه تعالی اسم یا لقب یا کنیه، هرکدام که باشد باید آن را بیرون آورد و آب بکشد، و الله العالم.

(۱۰۲)

آیا آبی که قبل از تطهیر به عورت برخورد کرده و ترشح می‌کند پاک است؟
باسمه تعالی اگر آب متصل به کُر به محل مذکور برخورد کرده و ترشح کند پاک است، و الله العالم.

(۱۰۳)

کسی که در طهارت، نجاست، وضو، نماز و غسل زیاد شک می‌کند، تکلیف چیست؟

باسمه تعالی اگر مقدار شک وی به حدّی باشد که نزد دیگران وسواس یا کثیر الشک به حساب آید، به شک خود اعتنا نکند، و الله العالم.

(۱۰۴)

اگر چیز نجس را زیر آب شیر بگیرند طوری که همه جای آن خیس شود، آیا می‌توان گفت که یک بار شسته شده است یا اینکه لازم است آن را در آب فرو کنند؟

باسمه تعالی فرو بردن لازم نیست و جریان آب برای صدق بار اول کافی است در جایی که قابل فشار دادن نباشد و الّا باید آن را فشار

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۸

دهند- برای خروج غُساله- تا بار اول تمام شود، و الله العالم.

وضوء

(۱۰۵)

اگر هنگام مسح پا، از نوک انگشتان تا قوزک پشت پا یکسره مسح نشد و مقداری از وسط آن قطع شد، آیا این درست است؟

باسمه تعالی رطوبت مسریه را خشک کند، و احتیاطاً از اول اعاده کند، و در مسح پاها احتیاط واجب آن است که تا مفصل مسح نماید، و الله العالم.

(۱۰۶)

می‌فرمایید جای مسح باید خشک باشد، اگر وقت تنگ است و باران می‌آید و به هر نحو قبل از مسح خیس می‌شود چه باید کرد؟

باسمه تعالی باید تیمم نماید، و الله العالم.

(۱۰۷)

اگر در نماز متوجه چرکی شود که احتمال دارد مانع آب در وضو بود چه باید بکند؟

باسمه تعالی چنانچه احتمال می‌دهد موقع وضو گرفتن ملتفت بود و مانع را برطرف کرده و بعداً حادث شده نمازش صحیح است، و الله العالم.

(۱۰۸)

آیا مالیدن چیزهای روغنی مثل کرم به صورت، وضو و غسل را باطل می‌کند؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۲۹

باسمه تعالی چنانچه جرمی که مانع رسیدن آب به پوست است نداشته باشد مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۰۹)

اگر در هنگام مسح سر، دست به صورت کشیده، تکلیف وضو چیست؟
باسمه تعالی چنانچه با قسمت دیگر دست- که به رطوبت صورت نخورده- مسح کند وضویش صحیح است، و الله العالم.

(۱۱۰)

چه مقدار جرم از چربی و روغن موجود در سر موجب بطلان مسح می‌شود؟
باسمه تعالی اگر جرمی که مانع از رسیدن رطوبت مسح به پوست سر یا موهای کوتاه سر است نباشد، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۱۱)

آیا بدون وضو و طهارت می‌توان ترجمهٔ به زبان فارسی و یا به زبان دیگر قرآن و یا اسماء جلاله را لمس کرد؟
باسمه تعالی ترجمهٔ قرآن حکم قرآن را ندارد و اسماء خداوند به هر لغتی باشد بنابر احتیاط حکم اسم جلاله را دارد، و الله العالم.

(۱۱۲)

آیا در وضو می‌توان یک عضو از اعضای سه‌گانه را به طریق ارتماسی شست؟
باسمه تعالی با مراعات ترتیب و اجتناب از ارتماس کف دست چپ، مانعی ندارد، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۰

(۱۱۳)

آیا انسان می‌تواند با وضویی که برای خواندن قرآن می‌گیرد نماز نیز بخواند؟
باسمه تعالی می‌تواند با آن وضو نماز بخواند، و الله العالم.

(۱۱۴)

حد اکثر چقدر قبل از وقت نماز واجب می‌تواند وضو بگیرد؟
باسمه تعالی وقت معینی ندارد، همین اندازه کفایت می‌کند که وضو مستحب بگیرد یا در وقتی که برای نماز آماده می‌شود و لو قبل از وقت وضو بگیرد، و الله العالم.

(۱۱۵)

آیا در وضو در بار اوّل باید کاملًا شسته شود، سپس شستن دوم آغاز شود، یا اگر اندکی از آن مانده باشد مانعی ندارد؟
باسمه تعالی در صورتی شستن دوم محسوب می‌شود که تمام عضو یک بار شسته شده باشد، و الله العالم.

(۱۱۶)

اگر در وضو با باطن یک انگشت از انگشتان دست، بر سر و یا روی پا مسح بکشیم کافی است یا نه؟
باسمه تعالی کافی است، و الله العالم.

(۱۱۷)

در غسل اعضای وضو و غُسل آیا باید تنها با دست خود شخص صورت گیرد یا با چیز دیگر مثل پارچه هم جایز است؟
باسمه تعالی در غُسل یا وضو دست یا چیز دیگر کشیدن بر اعضا
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۱
اعتبار ندارد، بلکه باید آب به تمام عضو برسد چه به اعانت دست یا چیز دیگر یا بدون اعانت، و الله العالم.

(۱۱۸)

کسانی که موی سرشان ریخته می‌خواهند ترمیم مو نمایند، چنانچه کم باشد آیا می‌شود روی مو مسح نمود؟
باسمه تعالی باید بر پوست جلو سر یا موی طبیعی کوتاه جلو سر به مقدار مسمّی (که مسح گفته شود) مسح واقع شود، و ترمیم به صورتی که مانع از مسح حتی به مقدار مسمّی بر پوست جلو سر یا موی طبیعی کوتاه جلو سر بشود، جایز نیست، و الله العالم.

(۱۱۹)

آیا می‌توان از طرف پهنا مسح نمود؟
باسمه تعالی چنانچه به صورت پهنا هم دست را روی سر قرار دهد و مسح کند مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۲۰)

اگر هنگام شروع وضو چند قطره آب قبل از شستن صورت روی آن برسد آیا وضو باطل می‌شود؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، در صحت غسل و وضو لازم نیست عضو مغسول قبل از وضو و غسل خشک باشد، و الله العالم.

(۱۲۱)

در آبهای معدنی، مثل آبگرم مغان و سبلان و سرعین و سایر جاها که آهکی و گوگردی هستند، و همچنین آب رود ارس و بعضی رودخانه‌های دیگر که آبشان همیشه گِل‌آلود است می‌شود وضو و غسل کرد یا نه؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۲
باسمه تعالی صحیح است، و الله العالم.

(۱۲۲)

بعد از استبراء و وضو رطوبتی که از شخص خارج می‌شود در صورت شک چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی اگر شک دارد بول است یا منی یا غیر آن دو، محکوم به طهارت است، و وضویش صحیح است، و اگر بداند یا بول است یا منی، در این صورت نجس است و وضویش باطل است، و وضو تنها برای نماز و غیره کافی است (یعنی احتیاج به غسل ندارد)، و الله العالم.

(۱۲۳)

گاهی اوقات بعضی موانع اطراف چشم مشاهده می‌شود، آیا برای وضو باید برطرف شود؟
باسمه تعالی چنانچه پس از بسته شدن چشم از ظاهر چشم قی و مانند آن وجود داشته باشد باید در وقت وضوء برطرف شود، و پس از وضو اگر شک کرده که مانع بوده یا نه بنابر احتیاط وضوء را اعاده نماید، و الله العالم.

(۱۲۴)

آیا در وضو قصد قربت لازم است یا رفع حدث؟
باسمه تعالی قصد قربت کافی است، و الله العالم.

(۱۲۵)

آیا وضو در خارج وقت می‌توان جهت نماز گرفت؟
باسمه تعالی مانعی ندارد ولی قصد وجوب نکند، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۳

(۱۲۶)

اگر نایب از روی کراهت و یا مأخوذ به حیا شدن، وضو یا غسل نیابتی بدهد، آیا با طهارت نیابتی مزبور می‌توان نماز خواند؟
باسمه تعالی وضوء صحیح است، و الله العالم.

(۱۲۷)

آیا در مسح سر باید موهای همان قسمت از سر که مسح می‌شود تر شود یا اگر موهای قسمتهای مجاور که بواسطهٔ شانه کردن به آنجا آمده‌اند هم مسح شود کافی است؟
باسمه تعالی مویی که خارج از متعارف باشد و زلف به آن گفته می‌شود، مسح بر آن کافی نیست، باید بر بیخ این موها مسح شود، و الله العالم.

(۱۲۸)

آیا با وضویی که شخص گرفته تا فقط با وضو باشد می‌تواند نماز بخواند؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۲۹)

در وضو اگر یک مرتبه مسح کرد و احساس کرد که مسح صحیح نبوده لذا محل مسح را خشک کرد، آیا دوباره می‌تواند مسح کند؟

باسمه تعالی چنانچه با تریِ آب وضوی که در دست مانده مسح کند، وضویش صحیح است، و الله العالم.

(۱۳۰)

آیا آب مسح سر اگر به آب صورت وصل شود وضو را

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۴

باطل می‌کند؟

باسمه تعالی برای مسح پاها با آن قسمت از دست که به آب صورت برخورد نموده، پاها را مسح نکند، و الله العالم.

(۱۳۱)

فرق بین وضوی مرد و زن، و شستن دو عورت را بیان فرمائید؟

باسمه تعالی تفاوتی در این حکم ندارد، و الله العالم.

(۱۳۲)

آب لوله‌ها گاهی همراه با مواد شیمیایی کلر است، آیا می‌توان با این آب وضو یا تطهیر نمود؟

باسمه تعالی آب مزبور مطلق است، و وضو و تطهیر با آن اشکال ندارد، و الله العالم.

(۱۳۳)

پارچه‌ای که برای جبیره در محل وضو می‌گذارند علاوه بر طهارت و اباحه، نماز خواندن با آن چگونه است؟ آیا شرط است که ابریشم هم نباشد یا خیر؟

باسمه تعالی نسبت به وضو اشکال ندارد، ولی نماز با آن بدون اضطرار، صحیح نیست، و الله العالم.

(۱۳۴)

اگر کسی از مچ، دست راست نداشته باشد، وضوی او چگونه است؟

باسمه تعالی صورت و بقیهٔ دست راست را- با دست چپ یا با

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۵

گذاشتن آن زیر شیر آب به نحوی که ترتیب در شستن رعایت شود- می‌شوید، و در شستن دست چپ از بقیهٔ دست راست کمک می‌گیرد و با باقیماندهٔ دست راست- مچ آن- سر و پای راست را مسح می‌کند و بنابر احتیاط با دست چپ نیز مسح کند، و پای

چپ را نیز با دست چپ مسح می‌نماید، و الله العالم.

(۱۳۵)

جوانی دو دست از مچ یا یک دست از آرنج و دو پا را از زانو از دست داده، مسح را چگونه انجام دهد؟
باسمه تعالی هر مقدار از اعضای وضو را که دارد، همان را شستشو می‌دهد، و با مقداری که باقی است از دستها، مسح را با آن می‌کشد، و اگر خودش نتوانست مسح کند نایب می‌گیرد، و کسی که پا ندارد مسح پا ساقط است، و الله العالم.

(۱۳۶)

آیا وضو به نیّت نماز واجب قبل از دخول وقت صحیح است؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، ولی قصد وجوب نکند، و الله العالم.

(۱۳۷)

کسی که وظیفه‌اش وضو به کمک نایب است، اما گرفتن نایب موجب رو انداختن و منّت گذاردن می‌شود، چه باید بکند؟
باسمه تعالی می‌تواند برای نایب گرفتن در صورت تمکن اجرت بدهد، و الله العالم.

(۱۳۸)

در بدنم خال‌کوبی شده است حتی مواضع وضو، و از بین
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۶
بردن آنها هم مشکل است، توضیح بفرمایید تکلیفم چیست؟
باسمه تعالی چنانچه روی پوست چیزی که مانع رسیدن آب است نباشد، وضو و غسل صحیح است، و الله العالم.

(۱۳۹)

وظیفهٔ کسی که باید نایب برای وضو بگیرد اما چگونگی وضوی نیابتی را نمی‌دانسته و وضو را اشتباه انجام داده، آیا نمازهایی را که خوانده صحیح است؟
باسمه تعالی در صورت بطلان وضو نمازها را باید با وضوی صحیح اعاده و قضا کند، و الله العالم.

(۱۴۰)

آیا در وضو دقت زیاد لازم است؟
باسمه تعالی دقت وسواس اعتباری ندارد، و الله العالم.

(۱۴۱)

تمیز نمودن بعضی از اعضاء بدن با آب مسجد قبل از وضو گرفتن چه حکمی دارد؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۴۲)

شخصی وضو در مسجدی می‌گیرد لکن نماز خود را در منزل یا مسجد دیگری می‌خواند، حکم وضوی او چگونه است؟
باسمه تعالی اگر آب برای خصوص وضو گرفتن در آن مسجد و نماز خواندن در آن وقف شده است جایز نیست، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۷

غسل

(۱۴۳)

آیا استمنا این است که شخص با خود کاری کند تا از او منی خارج شود یا با نگاه کردن به تصویر و فیلم و عکس نیز ممکن است؟
باسمه تعالی طلب خروج منی به هر کیفیتی باشد استمنا محسوب می‌شود، و الله العالم.

(۱۴۴)

عرق کسی که استمنا کرده و منی از او خارج شده، و کسی که استمنا کرده اما منی خارج نشده چه حکمی دارد؟
باسمه تعالی در صورت خارج شدن منی، عرق بدنش عرق جنب از حرام است، و در صورتی که منی خارج نشود، عرق جنب از حرام نیست، و الله العالم.

(۱۴۵)

اگر پیش از غسل، بدن را به طور کامل خیس نماید و سپس غسل کند، در این صورت غسل صحیح است یا خیر؟
باسمه تعالی بلی صحیح است و لازم نیست قبل از غسل بدن خشک باشد، و الله العالم.

(۱۴۶)

اگر کسی همه جای بدن خود را خوب بشوید یا اینکه بطور صحیح غُسل کند، برای انجام غسل بعدی آیا لازم است دوباره همه جای بدن را بشوید؟
باسمه تعالی چنانچه دوباره غسل بخواهد بکند باید اعضای غُسل شسته شود و دست مالیدن لازم نیست، و الله العالم.
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۸

(۱۴۷)

در هنگام غسل کردن احساس می‌شود داخل لالهٔ گوش کمی روغنی است، آیا باید آن را برطرف کرد یا نه؟

باسمه تعالی چنانچه جرمی که مانع رسیدن آب به پوست است نداشته باشد مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۴۸)

اگر در هنگام غسل حدث اصغر رخ داد وظیفه چیست؟
باسمه تعالی احتیاطاً غسل را به نیّت آنچه وظیفهٔ اوست از نو انجام دهد و وضو هم بگیرد، و الله العالم.

(۱۴۹)

اگر برای غسل کردن عضوی زیر آب برده شود، در صورتی که بعضـی از جاهای آن آب نرسیده باشد، آیا با دست می‌توان در زیر آب آن قسمتها را شست بی‌آنکه آن را از آب خارج کند؟
باسمه تعالی اگر در زیر آب به آن جاها به قصد غسل آب برساند کافی است و لازم نیست دوباره از آب خارج کند، و الله العالم.

(۱۵۰)

کسی که چند غسل واجب بر گردن دارد، آیا یک غسل معین از همه کفایت می کند؟
باسمه تعالی بلی کفایت می کند، و الله العالم.

(۱۵۱)

اگر در حال غسل چند دفعه حدث اصغر از او سر بزند وظیفه‌اش چیست؟
باسمه تعالی چنانچه در اثناء غسل جنابت حدث اصغر از او سر
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۳۹
بزنـد، بنابر احتیاط واجب غسل را از سـر گرفته و به قصد هرچه بر گردن و عهدهٔ اوست تمام کند، و برای نماز وضو هم بگیرد، و الله العالم.

(۱۵۲)

آیا شخص جنب می‌تواند وارد حسینیه بشود؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۵۳)

کسی که در طهارت، نجاست، وضو، نماز و غسل زیاد شک می کند، بویژه در غسل که بسیار آب مصرف می کند، تکلیف چیست؟
باسـمه تعالی اگر مقـدار شکّ او به حدّی باشد که نزد دیگران وسواس یا کثیر الشک به حساب آید، به شک خود اعتنا نکند، و الله العالم.

(۱۵۴)

انسان که از خواب بیدار می‌شود می‌بیند آبی در حال خواب از مجرای بولش خارج شده و از حیث رنگ و غلظت و بو و غیر ذلک شبیه منی است، و چون خواب بوده هیچ‌یک از علامـات منی را حس نکرده، در عین حـال به منی بودن آن نیز یقین نـدارد، آیا این آب حکم منی دارد؟

باسمه تعالی در فرضی که اطمینان ندارد و علامات منی هم موجود نیست، جنب محسوب نمی‌شود، و الله العالم.

(۱۵۵)

با غسلی که قبل از رسیدن وقت نماز انجام می‌دهد آیا می‌تواند نماز بخواند؟ در مورد وضو چطور؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۰

باسمه تعالی با غسل جنابت و مسّ میت و اغسال مستحبی و وضو قبل از وقت می‌تواند نماز خواند، و الله العالم.

(۱۵۶)

آیـا در غسل ترتیبی، حرکت کردن لازم است؟ و در صورتی که دست و پا را بلنـد نمایـد آب به تمام اجزاء بـدن برسـد چه صورت دارد؟

باسـمه تعالی حرکت دادن لازم نیست، آب را بایـد به اعضای بـدن برسانـد و لو به اینکه پا را بلنـد کنـد یا دست را بالا بگیرد، و الله العالم.

(۱۵۷)

اگر جایی از بـدن زخم شـده و هنگام غسل خون بیایـد و ادامه پیـدا کنـد، چگونه بایـد محل را غسل دهـد- در حالی که غسل باید حدوثی باشد و خون هم می‌آید- مگر زیر آب باشد؟

باسـمه تعـالی در زیر آب، و لو بـا فشـار دادن محل زخم، خون را بنـد آورده و زایل کنـد، پس از برداشـتن دست در یک زمان هم تطهیر و هم غسل حدوثی محقق می‌شود، و الله العالم.

(۱۵۸)

کسـی که در آب غسل ترتیبی می‌کند، آیا برای شسـتن هر یک از اعضای سه‌گانه لازم است نخست همهٔ آن عضو را از آب خارج کند، سپس به قصد شستن زیر آب ببرد؟

باسـمه تعالی هر جزئی از بدن که شسـته می‌شود به قصد غسل باید قبلًا خارج آب باشد، و بقیهٔ اجزاء لازم نیست در هنگام غسل آن جزء بیرون از آب باشد، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۱

(۱۵۹)

کسی که پیش از غسل، مانعی در بدنش بود، و در حال غسل توجهی به رفع آن نداشت، اگر پس از غسل، آن مانع برطرف شده باشد، آیا غسل او صحیح است؟

باسمه تعالی اگر اطمینان دارد که در حین غسل، محل شسته شده به نحوی که مانعی که بوده برطرف شده، غسلش صحیح است، و الّا بنابر احتیاط وجوبی باید تدارک کند، و الله العالم.

(۱۶۰)

آیا حین غسل لازم است همه جای بدن را با دست بشویند یا اگر آب روی اعضای بدن ریخته شود و همه جای آن خیس شود کافی است؟

باسمه تعالی خیس و شسته شود کافی است، با دست شستن لازم نیست، و الله العالم.

(۱۶۱)

چه نیّتی صحیح‌تر است انسان برای غسل جنابت بر زبان بیاورد یا از دل بگذراند؟

باسمه تعالی غسل جنابت می‌کنم قربةً الی الله تعالی، و الله العالم.

(۱۶۲)

آیا می‌توان چند غسل مستحب و واجب را یک‌دفعه و با یک غسل نیّت نمود؟

باسمه تعالی اگر به قصد یکی غسل کند صحیح است، ولی چنانچه بخواهد ثواب همهٔ اغسال را نائل شود، قصد همه را بکند، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۲

تیمم

(۱۶۳)

تیمم و سجده بر سنگ مرمر چه صورت دارد؟

باسمه تعالی سجده صحیح است، و احتیاط مستحب این است که با وجود خاک، بر سنگ تیمم نکند، و الله العالم.

(۱۶۴)

در حال تیمم اگر پیشانی و کف دستها و پشت دستها همه تر باشد و یا بعضی از اینها تر باشد، آیا تیمم صحیح است یا نه؟

باسمه تعالی رطوبت اعضاء تیمم اگر به نحوی باشد که غسل صدق نکند، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۶۵)

اگر مکلّف بداند که وظیفه‌اش تیمم است ولی غسل کند و نماز هم قضا شود، آیا غسل او صحیح است؟
باسمه تعالی در ترک نماز معصیت کرده، ولی اگر غسل را به قصد قربت و حصول طهارت انجام داده صحیح است، و الله العالم.

(۱۶۶)

کسی که بدل از غسل جنابت، تیمم کرده، آیا می‌تواند قرآن بخواند؟
باسمه تعالی مانعی ندارد، و در صورتی که بخاطر ضیق وقت تیمم کرده باشد نمی‌تواند آیاتی را که سجدهٔ واجب دارد بخواند، و الله العالم.

(۱۶۷)

کسی که آب نداشته یا استعمال آب برای او ضرر داشته، آیا با تیمم بدل از غسل جنابت می‌تواند به مسجد برود و نماز را به
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۳
جماعت بخواند؟
باسمه تعالی تا مادامی که معذور است جایز است، و الله العالم.

(۱۶۸)

نظر حضرتعالی در خصوص تیمم بر موزاییک چیست؟
باسمه تعالی تیمم بر موزائیک حکم تیمم بر سنگ را دارد، و الله العالم.

(۱۶۹)

آیا با تیمم بدل از غسل جنابت می‌شود نماز خواند؟ یا اینکه وضو هم لازم است؟
باسمه تعالی می‌توان نماز خواند و وضو لازم نیست، و الله العالم.

(۱۷۰)

آیا با تیمم بدل از غسل جنابت، وقوف در مساجد جایز است؟
باسمه تعالی در صورتی که برای ضیق وقت تیمم نکرده باشد، جایز است، و الله العالم.

(۱۷۱)

کسی که معذور از غسل است، می‌تواند تیمم بدل از غسل مستحبی نماید و تکلیف شرعی خود را انجام دهد؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۴
باسمه تعالی تیمم بدل از غسل مستحبی رجاءً مانعی ندارد، ولی کافی از وضو نیست، و الله العالم.

(۱۷۲)

اگر فردی که وظیفه‌اش تیمم است به علت شکستگی یک دست نتواند آن را به پیشانی برساند، آیا برای کشیدن به پیشانی، یک دست سالم کافی است و تیمم او صحیح است؟

باسمه تعالی اگر از دست شکسته نمی‌تواند برای پیشانی استفاده کند، با دست باقیمانده پیشانی را مسح می‌کند، و الله العالم.

(۱۷۳)

آیا با وجود خاک می‌توان بر روی سنگ تیمم نمود؟

باسمه تعالی با وجود خاک نیز می‌توان روی سنگ تیمم کرد، و الله العالم.

(۱۷۴)

آیا زدن دست بر روی زمین در تیمم شرط است یا صرف تماس کفایت می‌کند؟

باسمه تعالی بنابر احتیاط زدن به محل تیمم لازم است و صرف تماس کفایت نمی‌کند، و الله العالم.

(۱۷۵)

اگر جای تیمم هموار نباشد تا تمام کف دو دست بر آن زده شود، آیا بازهم یک بار زدن کفایت می‌کند؟

باسمه تعالی بنابر احتیاط باید جای تیمم را صاف کرد و بعد دستها را به آنجا زده، و نیز بنابر احتیاط باید هر دو دست را با هم به زمین یا چیزی که تیمم بر آن صحیح است زد، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۵

(۱۷۶)

اگر وظیفهٔ شخص تیمم باشد، اما جای تیمم نجس بوده و آب کشیدن آن ممکن نباشد، تکلیف چیست؟

باسمه تعالی در صحت تیمم، طهارت اعضاء شرط نیست و در فرض مذکور به همان حال تیمم می‌کند و نماز می‌خواند، و الله العالم.

(۱۷۷)

شخصی که وظیفه‌اش تیمم است و تیمم بدل از غسل نموده، آیا می‌تواند قرآن و اسماء جلاله را مس کند؟

باسمه تعالی اگر عذر او باقی است، در غیر از تیمم برای تنگی وقت، با تیمم تمام کارهایی که شرط آن طهارت است می‌توان انجام دهد، و الله العالم.

(۱۷۸)

آیا تیمم بر چوب و تخته صحیح است؟

باسمه تعالی تیمم بر چوب و تخته جایز نیست، و الله العالم.

اذان و اقامه

(۱۷۹)

شهادت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در اذان چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی شهادت بر ولایت، شعار مذهب است و در اذانهای عمومی مثل اذان اعلام وقت یا اذان نماز جماعت نباید ترک شود، و الله العالم.

(۱۸۰)

آیا شهادت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در اذان اختراعی از

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۶

مفوّضه است یا نه؟ و فصول اذان چندتا می‌باشد؟

باسمه تعالی احتمالًا مفوّضه به عنوان جزئیّت می گفته‌اند، لذا مرحوم شیخ صدوق قدس سرّه آنان را تخطئه کرده است، و فصول اذان هیجده جمله است، شهادت بر ولایت شعار مذهب است و در اذان نباید ترک شود، و الله العالم.

(۱۸۱)

اشهد أن علیاً ولیّ اللّه» از کدام زمان در اذان رایج شده؟

باسمه تعالی گفتن «اشهد أن علیاً ولیّ اللّه- صلوات اللّه علیه-» از وقتی که شیعه از تقیه خارج شده رایج شد، و این شعار مذهب است و نباید در اذانهای عمومی مثل اذان اعلام ترک بشود، و الله العالم.

(۱۸۲)

اقامهٔ شعایر دین مثل اذان که در بلاد مسلمین است، واجب است و لو توسط یک نفر اقامه شود؟

باسمه تعالی در بلاد مسلمین باید مظاهر دینی حفظ شود، و الله العالم.

تبریزی، جواد بن علی، رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)؛ ص: ۱۴۶

غیبت

(۱۸۳)

آیا در مسائل سیاسی غیبت جایز است؟

باسمه تعالی غیبت مؤمن حرام است، و غیبت آن است که انسان عیب مؤمنی که پوشیده است، آن را پیش کسی اظهار کند، و الله العالم.

(۱۸۴)

نسبت دادن عیبی به بیشتر اهل یک شهر و یا عیب غیر مؤمن را گفتن، همچنین تعریف کردن که صاحبش راضی نباشد، چه

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۷

صورت دارد؟

باسمه تعالی نسبت عیب به غالب اهل یک بلد، داخل عنوان غیبت نیست، و چنانچه داخل عنوان افترا و قول به غیر علم نباشد، مانعی ندارد، و همچنین عیب غیر مؤمن و مدح و تعریف کردن شخص که صاحبش راضی نباشد، مانعی ندارد، و الله العالم

(۱۸۵)

موارد جواز غیبت را مرقوم فرمایید؟

باسمه تعالی ۱- غیبت غیر مؤمن، ۲- غیبت متجاهر به فسق، ۳- موارد تظلّم شخص از کسی که در حقّ او ظلم کرده که می‌تواند ظلم او را بیان کند، ۴- موارد مشورت مثل کسی که دخترش را به کسی می‌خواهد بدهد، انسان می‌تواند در مقام مشورت کسان دختر، عیب پسر را نقل کند، ۵- در موارد ارشاد و نصیحت، مثل اینکه کسی علیه کسی شهادت می‌دهد، انسان می‌تواند عیب شاهد را که برایش معلوم باشد، ذکر کند. و از این قبیل است قدح در رجال حدیث و کسی با کسی رفیق شده و انسان احتمال می‌دهد که رفاقت منجر به فساد شخص شود، چون رفیق او آدم بدی است، می‌تواند در مقام نصیحت عیب او را ذکر نماید، و الله العالم.

(۱۸۶)

نشستن در مجلس غیبت یا جشن بدون شنیدن چه صورتی دارد؟

باسمه تعالی در مجلسی که از علمای دین غیبت می‌شود، نباید

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۸

بنشیند باسمه تعالی و نیز اگر غیبت دیگران باشد، باید رد کند، و مجلس جشن که مجلس شراب نباشد و استماع نکند، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۸۷)

شخصی غیبت شخص دیگر را نمود و حالا پشیمان است چه باید بکند؟

باسمه تعالی توبه کند، ان شاء الله جبران می‌شود، و الله العالم.

(۱۸۸)

آیا غیبت شخص گناهکار جایز است؟

باسمه تعالی غیبت جایز نیست مگر متجاهر به فسق باشد، و الله العالم.

(۱۸۹)

من در زندگی از مردم، زیاد غیبت کرده‌ام، الآن باید چه کنم، آیا پیش هرکس بروم و عذرخواهی بکنم و یا فقط توبه بکنم؟ و آیا غیبت مسلمانان غیر شیعه جایز است یا نه؟

باسمه تعالی غیبت مؤمن (شیعهٔ دوازده امامی) حرام است، و در صورت ارتکاب بایـد از آن توبه نمود، و بعیـد نیست در تخلص از محذور غیبت توبه و استغفار کافی باشد، و الله العالم.

موسیقی، غنا، رقص، دست زدن

(۱۹۰)

دست زدن و کف زدن در مجالس سخنرانی و جشن ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی دست زدن داخل عنوان لهو است، و با مجالس اهل

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۴۹

بیت علیهم السلام مناسبت ندارد، و مناسب با این مجالس صلوات و مثل آن است، و الله العالم.

(۱۹۱)

نوارهای موسیقی، غنا و دایره زدن در جشن‌ها چه حکمی دارد؟ آیا دایرهٔ سیم‌دار با غیر آن فرقی دارند؟

باسـمه تعـالی موسـیقی لهوی بـا اسـتعمال آلاـت آن، و گوش دادن به آن مطلقـاً جایز نیست، و فرقی بین مجالس عروسـی و غیر آن نیست، و دایره را اگر به صورتی تغییر دهند که دیگر از آلات موسیقی حساب نشود، زدن آن مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۹۲)

آیا نوارهای موسیقی و آواز خواننده‌هایی که شاد هستند، ولی دارای طرب نیستند، حرام است؟

باسمه تعالی گوش دادن به غنا و موسیقی لهوی حرام است، هرچند در انسان تأثیر نکند، و الله العالم.

(۱۹۳)

مرز بین موسیقی حلال و حرام را مشخص فرمایید؟

باسمه تعالی موسیقی لهوی حرام است، و الله لعالم.

(۱۹۴)

گوش کردن به نوارهای موسیقی (ترانه) و آهنگهای صدا و سیما، چه حکمی دارد؟

باسـمه تعالی غنا (آوازه‌خوانی مناسب با مجالس خوشـگذرانی که با مضمون باطل باشد) و گوش دادن به آن حرام است، بلکه بنابر احتیاط، باید از مطلق خواندنی که با ترجیع صوت (گرداندن صدا در حلق)

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۰

است، و لو مضـمون آن باطـل نباشـد، اجتنـاب کرد، و موسـیقی لهوی (نواختن آلات مخصوصه که مناسب با مجالس خوشـگذرانی

باشد) و گوش دادن به آن جایز نیست، و موسیقی غیر لهوی مانعی ندارد، و الله العالم.

(۱۹۵)

زن برای زنان و مرد برای مردان برقصد، چگونه است؟

باسمه تعالی رقص زن برای شوهرش و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و مثل آن- در صورتی که اختلاط با مردان نبوده و در معرض نگاه مرد حتی پسر ممیز نباشد، و مشتمل بر حرام دیگری، مثل موسیقی و غیره هم نباشد- مانعی ندارد، و رقص در غیر این دو مورد (رقص زن برای شوهرش و رقص زن برای زنان با قیودی که ذکر شد) از مصادیق لهو است، و سزاوار است که مؤمن از لهو اجتناب کند، و الله العالم.

(۱۹۶)

نظر شریف شما در زمینهٔ آهنگهای صدا و سیما و مطلق آن، از آهنگهای ایرانی اصیل و جز آن، چیست؟

باسمه تعالی موسیقی اگر لهوی نباشد، گوش دادن به آن مانعی ندارد، و نواختن موسیقی لهوی و گوش دادن به آن جایز نیست، و فرقی بین انواع آن از ایرانی و غیر نیست، و الله العالم.

(۱۹۷)

موسیقی لهوی چه نوع موسیقی است؟

باسمه تعالی موسیقی است که مناسب مجالس خوشگذرانی است،

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۱

و الله العالم.

(۱۹۸)

حضور در مجالس جشن خانمها که عروس و داماد در آن هستند، و آهنگهای لهوی دارند، برای مردان چطور است؟

باسمه تعالی رفتن به مجالسی که اگر انسان به آنجا برود، مجبور به ارتکاب معصیت می‌شود، جایز نیست، و الله العالم.

(۱۹۹)

غنا و موسیقی آیا مطلقاً حرام است یا تفصیلی دارند؟

باسمه تعالی آوازخوانی مناسب مجالس خوشگذرانی یا مشتمل بر ترجیع همراه با مضامین باطله و مضلّه، جایز نیست، و در مشتمل بر ترجیع، و لو آنکه همراه با مضامین فاسده نباشد، احتیاط ترک نشود، و نواختن موسیقی که استعمال آلات لهو مناسب مجالس خوشگذرانی باشد، حرام است، و نیز استماع آن جایز نیست، و الله العالم.

(۲۰۰)

موسیقی مطرب یعنی چه؟

باسمه تعالی زدن با آلات لهو که مناسب مجالس خوشگذرانی و اهل فسوق باشد، حرام است، و الله العالم.

(۲۰۱)

غنا از نظر فقه و شرع چه معنی دارد؟

باسمه تعالی غنا، خوانندگی و آوازه‌خوانی لهوی است که خوانندگی و گوش دادنش حرام است، و الله العالم.

(۲۰۲)

شنیدن صدای زن نامحرم با آهنگ چه حکمی دارد؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۲

باسمه تعالی چنانچه موسیقی لهوی باشد، گوش دادن جایز نیست، مرد باشد نوازندهٔ موسیقی یا زن، و الله العالم.

(۲۰۳)

آیا موسیقی مطلقاً حرام است، یا فقط موسیقی مطرب؟

و در صورتی که موسیقی مطرب حرام باشد، معیار تشخیص آن شخصی است یا عرفی (نوعیّه)؟ و شنیدن صداهای مشکوک چه صورت دارد؟

باسمه تعالی موسیقی لهوی حرام است و اجتناب از شبه مصداقیهٔ آن واجب نیست، و ملاک در تشخیص موسیقی لهوی، نظر عرف است، و الله العالم.

(۲۰۴)

دست زدن و دایره زدن در مجالس عروسی و غیر آن چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی دست زدن فی نفسه مانعی ندارد، لکن داخل در عنوان لهو است و برای مؤمن سزاوار نیست که مرتکب لهو شود و دایره زدن جایز نیست، چه در مجالسی عروسی باشد یا در غیر آن، و الله العالم.

(۲۰۵)

استماع چه نوع موسیقی‌هایی حرام می‌باشد؟ هکذا شنیدن موسیقی‌هایی که از صدا و سیما پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی استماع موسیقی لهوی که مناسب مجالس اهل فسوق و خوشگذرانی است جایز نیست، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۳

(۲۰۶)

در مجالس مخصوص عروسی، رقص زنها جایز است؟

باسمه تعالی در فرض سؤال اگر حرام دیگری مانند زدن به آلات لهو نباشد و در مجلس فقط زنها باشند مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۰۷)

دایره زدن و کف زدن در مجالس جشن (زنانه) چه حکمی دارند؟ و همچنین رقص زنان در مجالس زنانه؟

باسمه تعالی استعمال آلات لهو به نحو لهوی جایز نیست، و لو در مجالس زنانه و در عروسی‌ها، و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و مثل آن، چنانچه در معرض نگاه مرد نبوده و مشتمل بر حرام دیگری مثل موسیقی لهوی و غیر آن نباشد، مانعی ندارد، و کف زدن در مجالس مذکور در سؤال فی نفسه مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۰۸)

نظر شما در بارهٔ غنا و موسیقی‌هایی که از رادیو تلویزیون ایران پخش می گردد و همچنین در بارهٔ فیلمهای خارجی و ایرانی چیست؟ و غنا به چه چیزی گفته می‌شود؟

باسمه تعالی غنا، آوازخوانی لهوی است، و غنای لهوی و موسیقی لهوی خواندن، نواختن و گوش دادن به آن حرام است، و نگاه کردن به فیلمهای ایرانی و یا خارجی اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود فی حد نفسه اشکال ندارد، و الله العالم.

(۲۰۹)

حکم کاروانهایی که با بوق و دست زدن، عروس را به خیابانها می‌برند، چیست؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۴

باسمه تعالی حکم دست زدن بیان شد، و بوق زدن، چنانچه مزاحمتی با مردم و استراحت آنان نداشته و مخالف مقررات نباشد، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۱۰)

خواهشمند است حکم کف زدن و رقص زن و آوازخوانی را بیان نمایید؟

باسمه تعالی رقص زن برای شوهر، و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و مثل آن، مانعی ندارد، و در غیر آن لهو است، و کف زدن فی نفسه لهو است، و برای مؤمن سزاوار نیست که مرتکب لهو شود، و غنا- آوازه‌خوانی مناسب با مجالس خوشگذرانی که مشتمل بر مضمون باطل باشد- حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که از هر خواندنی که با ترجیع صوت (گرداندن صدا در حلق) همراه است، و لو در مضمون باطل نباشد، اجتناب کنند، و غنا در مجالس عروسی مانعی ندارد، و استعمال آلات موسیقی- که دف از آنها است- جایز نیست، حتی در مجالس عروسی و مثل آن، و الله العالم.

(۲۱۱)

آیا شنیدن آواز و سرود زن نامحرم، و خواندن سرود همراه مردان، جایز است؟

باسمه تعالی صدای زن از عورت نیست، و گوش دادن به آن- اگر غنا نباشد- فی نفسه مانعی ندارد، ولی التذاذ جنسی از زن (غیر از همسر) به هر نحوی که باشد جایز نیست، و اگر این نحو سرود خواندن

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۵

موجب فساد در جوانان شود، جایز نیست، و حکم غنا قبلًا بیان شده، و الله العالم.

(۲۱۲)

ملاک تشخیص موسیقی حرام چیست؟ و آیا گوش دادن به موسیقی‌هایی که از صدا و سیما پخش می‌شود و نیز موسیقی‌هایی که

تحت عنوان نوارهای مجاز در بازار یافت می‌شود جایز است؟ لطفاً قیـد بفرمایید که ملاک حرمت یک امر شخصـی است یا نوعی و در صورتی که ملاک عرفی است، مراد عرف فقهاست یا عرف عامّهٔ مردم؟

باسـمه تعالی گوش دادن به موسـیقی لهوی- یعنی آهنگهای مناسب مجالس خوشگذرانی و عیاشی- حرام است، و تشخیص لهویّت به نظر عرف عام است، و الله العالم.

(۲۱۳)

آیا ترانه خواندن و رقصیدن در تنهایی و یا زن و شوهر برای هم اشکال دارد؟

باسـمه تعالی غنا حرام است، چه غنای زن برای شوهرش باشـد یا غیر آن، چه کسـی باشـد یا نباشد، و رقص شـخص در صورتی که تنها باشد و کسـی دیگر نباشد، از مصادیق لهو است، و سـزاوار است که مؤمن از لهو اجتناب کند، و رقص زن برای شوهرش مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۱۴)

رقصیدن در فقه به چه معناست؟

باسمه تعالی رقص به همان معنایی که پیش اهل عرف متعارف

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۶

است، به کار برده می‌شود، و شرعاً داخل لهو است، و الله العالم.

(۲۱۵)

آیا حکم رقص سنتی با رقصهای نوین و غربی متفاوت است؟

باسمه تعالی از جهت رقص فرقی ندارد، و الله العالم.

(۲۱۶)

آیا استفاده از بعضی آلات موسیقی حرمت مطلق دارد؟

باسـمه تعالی خریدوفروش و تهیه و ساخت آلاتی که در خصوص موسیقی لهوی استعمال می‌شود، حرام است، و پولی که در مقابل ساخت یا فروش آن گرفته شود، حرام است، و الله العالم.

(۲۱۷)

استفاده از موسیقی مناسب در ایام عزا، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۱۸)

نواختن آهنگهای مطرب در عزا و شادی، چه صورت دارد؟

باسمه تعالی نواختن و استماع آهنگهای لهوی مناسب مجالس اهل فسوق، چه در شادی و چه عزا، حرام است، و الله العالم.

(۲۱۹)

نگاه کردن به فیلمهای سکسی از طریق ویدئو یا تلویزیونهای بیگانگان و به هر طریق دیگر، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی نشان دادن و نگاه کردن به فیلمهای مذکور و هر چیزی که موجب فساد و ترویج فحشا در جوانان و غیر آنان بشود،

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۷

جایز نیست و اجباری که رافع تکلیف باشد، در این موارد تحقق پیدا نمی‌کند، و الله العالم.

(۲۲۰)

رقصیدن محارم نزد همدیگر، و رقصیدن مرد برای زنش یا برعکس، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی رقص زن برای مردان چه محرم باشند یا غیر محرم جایز نیست، و رقص زن برای شوهر مانعی ندارد و رقص مرد از مصادیق لهو است و سزاوار است مؤمن از آن اجتناب کند، و الله العالم.

(۲۲۱)

دلیل حرمت موسیقی چیست و آیا روزه را باطل می‌کند؟

باسمه تعالی موسیقی- نواختن با آلات مخصوصه که مناسب با مجالس خوشگذرانی باشد- و گوش دادن به آن جایز نیست ولی روزه را باطل نمی‌کند. و مقام، مجال تفصیل بیش از این را ندارد، و الله العالم.

(۲۲۲)

خواندن یا گوش دادن ترانه از خواننده یا نوار، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی خواندن به نحو غنا و استماع آن حرام است چه بصورت مستقیم باشد یا از روی نوار، و الله العالم.

(۲۲۳)

استعمال آلات موسیقی چون تنبک، ساز نی و... چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی استعمال آلات لهو به وجه لهوی حرام است، و الله

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۸

العالم.

(۲۲۴)

آیا سکوت در برابر مجلس لهو که در آن موسیقی می‌نوازند، جایز است یا باید آن را ترک کرد؟

باسمه تعالی در صورت تمکّن، نهی از منکر لازم است، و اگر تمکن ندارد که نهی از منکر کند، لا اقل خودش مرتکب عمل حرام مثل استماع غنا و موسیقی لهوی نشود، و الله العالم.

(۲۲۵)

اگر موسیقی حالت لهوی نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی موسیقی اگر لهوی نباشد، مانعی ندارد، و میزان در لهوی بودن آن است که به حسب نظر عرف مناسب با مجالس خوشگذرانی بوده باشد، و الله العالم.

(۲۲۶)

موسیقی در فقه به چه معنا است؟

باسمه تعالی نواختن آلات مخصوصه به نحو مناسب با مجالس خوشگذرانی که پیش اهل فسق و فجور مرسوم است، حرام است، و الله العالم.

(۲۲۷)

اگر شخصی در ماشین یا منزلی قرار گرفته که موسیقی و غنا هست، وظیفه‌اش چیست؟

باسمه تعالی در فرض مذکور نباید گوش بدهد، و اگر سکوت وی، امضای عمل آنها محسوب می‌شود باید اظهار کند، و الله العالم.

(۲۲۸)

گوش فرا دادن به آواز زن اگر باعث تحریک نشود، چگونه

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۵۹

است؟

باسمه تعالی در صورتی که غنا نباشد، در فرض سؤال مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۲۹)

گوش دادن به دکلمهٔ زن که از رادیو یا نوار پخش می گردد، چگونه است؟

باسمه تعالی در صورتی که موجب تحریک مردان بر التذاذ جنسی نباشد، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۳۰)

اگر کسی هیچ آهنگی برای او ایجاد تحریک نکند، گوش فرا دادن به آنها، چگونه است؟

باسمه تعالی چنانچه بر آواز یا آهنگی در متعارف مردم غنا و موسیقی لهوی صدق کند، استماع آن حرام است، و الله العالم.

(۲۳۱)

آموزش، استماع و نواختن موسیقی، چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی موسیقی لهوی استماع، آموزش، و استعمال آن جایز نیست، و الله العالم.

(۲۳۲)

خرید، فروش، آموزش، ساختن و شنیدن نی، چه حکمی دارد؟
باسمه تعالی نی از آلات طرب است و موارد مذکوره اشکال دارد، و الله العالم.

(۲۳۳)

لهو یعنی چه؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۰
باسمه تعالی سرگرمی و خوشگذرانی است که غالباً انسان را از یاد خدا و آخرت غافل می‌سازد، و الله العالم.

(۲۳۴)

نگاه کردن به فیلمهای تلویزیونی یا سینمایی که شئونات اسلامی در آن رعایت نشود، چه حکمی دارد؟
باسمه تعالی از نگاه کردن به فیلمهای مفسد باید اجتناب نمود، و الله العالم.

(۲۳۵)

با توجه به اینکه هیچ نوع موسیقی نداریم که با یکی از آلات و ادوات لهو نواخته نشود، مگر صدایی که از بوق و شیپور خارج می‌شود، بفرمایید موسیقی غیر لهوی چیست؟
باسمه تعالی موسیقی که با آلات لهو نواخته می‌شود، چنانچه به نحوی باشد که متناسب با مجالس لهو و عیاشی و خوشگذرانی است و انسان را از یاد خدا غافل می‌کند، حرام است و استماع آن جایز نیست، و الله العالم.

(۲۳۶)

آیا شنیدن موسیقی که موجب طرب است برای زن و شوهر جایز است؟
باسمه تعالی زوجین و غیر آن دو، در حکم با هم فرقی ندارند، و الله العالم.

(۲۳۷)

آیا انسان می‌تواند آهنگهای مشکوک یا آهنگهایی که انسان را غمناک می‌نماید، بشنود؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۱
باسمه تعالی اگر تشخیص دهد که نواختن با آلات لهو یا آواز به نحو مناسب مجالس خوشگذرانی و اهل فسوق است و مشتمل بر مضامین باطله است، چه غمناک و چه فرح‌انگیز، و همچنین آواز با ترجیع (چهچهه) جایز نیست، و در مشکوک سزاوار است احتیاط شود، و الله العالم.

تراشیدن ریش

(۲۳۸)

نظر مبارک نسبت به تراشیدن بعضی از ریش (به اصطلاح امروزی ریش پروفسوری) چه می‌باشد؟ آیا این کار جایز است یا

تراشیدن بعضی از ریش مثل تراشیدن همهٔ آن است؟

باسمه تعالی بنابر احتیاط، چانه و اطراف آن باید طوری اصلاح شود که بگویند ریش دارد، و تراشیدن بقیه مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۳۹)

نظر کردن به صورت کسی که ریش تراشیده چه حکمی دارد اگر باعث تشویق او شود؟

باسمه تعالی امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود شرائط آن، واجب است، مجرد نگاه کردن به صورت چنین شخصی حرام نیست، و الله العالم.

(۲۴۰)

تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟ در صورت جواز، حدود آن را مشخص فرمایید؟

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۲

باسمه تعالی چنانچه مکلّف مو در صورت داشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید ربعی از صورت را که چانه در آن قرار دارد نتراشیده باقی بگذارد، بطوری که در وقت مواجهه مو در آن دیده شود و صدق کند ریش دارد، و الله العالم.

(۲۴۱)

اصلاح موی صورت به گونه‌ای که برخی اندکی از آن را نگاه می‌دارند، چه صورت دارد؟

باسمه تعالی چنانچه ریش چانه و اطراف آن را نتراشد و در آن مقدار ریش داشته باشد، به احتیاط واجب عمل کرده است، و الله العالم.

(۲۴۲)

آیا تراشیدن ریش بنابر احتیاط حرام است؟

باسمه تعالی بنابر احتیاط لازم، باید ترک کند، و الله العالم.

(۲۴۳)

اگر کسی ناچار باشد یا وادار شود که موی صورتش را بتراشد یا ماشین کند، حکم او چیست؟

باسمه تعالی در صورت عسر و حرج یا خوف ضرر از ناحیهٔ اجبارکننده، جایز است، و الله العالم.

(۲۴۴)

منظور از صدق ریش چیست؟

باسمه تعالی اینکه در عرف مردم به آن ریش بگویند، و الله العالم.

(۲۴۵)

آیا ریش‌های امروزی مانند پروفسوری، ستاری و...
صدق ریش می کند؟
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۳
باسمه تعالی تراشیدن چانه و اطراف آن بنابر احتیاط جایز نیست، و الله العالم.

(۲۴۶)

معیار و میزان در ریش چیست؟ و اگر به اندازهٔ خط انداختن تراشیده شود، اشکال دارد؟
باسمه تعالی از باب احتیاط واجب است، مویی که بر چانه و اطراف آن روییده است، زایل و تراشیده نشود به طوری که در وقت مواجهه و گفتگو صدق کند ریش دارد، و تراشیدن ریش در غیر چانه مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۴۷)

نظر حضرتعالی دربارهٔ تراشیدن ریش و خریدوفروش وسیلهٔ ریش‌تراشی را بفرمایید؟
باسمه تعالی بنابر احتیاط، تراشیدن چانه و اطراف آن جایز نیست، و خریدوفروش وسایل مشترکه جایز است، و الله العالم.

(۲۴۸)

حکم تیغ زدن به صورت چیست؟
باسمه تعالی بنابر احتیاط باید قسمت چانه و اطراف آن را نتراشیده بگذارد به نحوی که بر آن ریش داشتن صدق کند، و الله العالم.

(۲۴۹)

تراشیدن ریش و سبیل با تیغ و مانند آن و یا بلند کردن سبیل، چه حکمی دارد؟
باسمه تعالی چنانچه مکلّف مو در صورت داشته باشد، بنابر احتیاط
رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۴
واجب، بایـد ربعی از صورت که چانه در آن قرار دارد نتراشیده باقی بمانـد، به طوری که صـدق کند ریش دارد، و در زایل کردن ریش فرقی بین تراشیدن آن با تیغ و ماشینی که از ته می‌زند نیست، و بلند کردن سبیل مکروه است، و الله العالم.

(۲۵۰)

لطفاً نظر فقهی حضرتعالی در مورد تراشیدن ریش را به گونهٔ روشن بفرمایید، و اینکه دلیل فقهی شما چیست؟
باسمه تعالی بنابر آنچه از ادلهٔ شرعیه استفاده کرده‌ایم، احتیاط واجب آن است که از تراشیدن ریش چانه و اطراف آن اجتناب شود، و دلیل آن، روایاتی است که در اینجا مجال ذکر و تفصیل و بررسی آنها نیست، و الله العالم.

(۲۵۱)

حکم تراشیدن ریش چیست؟ و شهادت ریش‌تراش چگونه است؟
باسمه تعالی احتیاط واجب آن است که ربع صورتی را که چانه در آن واقع شده است نتراشند، و شهادت کسی که این کار را انجام

می‌دهد مورد قبول نیست، و الله العالم.

(۲۵۲)

تـا چه انـدازه می‌توان محاسن را کوتاه کرد؟ آیا درست است که می‌گوینـد بر مردها واجب است که به قـدری محاسن بگذارنـد به طوری که پوست صورتشان معلوم نباشد؟

باسمه تعالی باید به اندازه‌ای باشد که در مجلس تخاطب بگویند

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۵

صورتش مو دارد، و اگر موی صورت پرپشت است به مقداری باید موی صورت را بگذارد که بشره معلوم نباشد، و الله العالم.

پوشیدن طلا برای مردان

(۲۵۳)

آیا انگشتر یا گردن‌بند با آب طلا، برای مردان حلال است یا حرام؟

باسـمه تعالی پوشـیدن طلا بر مرد حرام است، و اگر لایه‌ای از طلا دارد، آن هم اشـکال دارد، اما پوشـیدن چیزی که فقط رنگ طلا دارد، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۵۴)

برای مردان استفاده از طلای سفید (پلاتین) به عنوان انگشتری حکمش چیست؟

باسمه تعالی استفادهٔ مردان از انگشتر و مانند آن که از پلاتین باشد، مانعی ندارد، و الله العالم.

(۲۵۵)

آیا بدست کردن حلقهٔ سفید بر مرد جایز است؟

باسـمه تعالی اگر از پلاتین اصل که غیر از طلا است باشـد، مانعی نـدارد، ولی اگر همان طلای زرد است که رنگش راماننـد طلای سرخ تغییر داده‌اند، جایز نیست، و الله العالم.

(۲۵۶)

روکش طلا گرفتن بر روی دندان، اشکال دارد؟

باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، ص: ۱۶۶

(۲۵۷)

عینکی که با طلا آب داده باشند برای مرد جایز است؟

باسمه تعالی مانعی ندارد، و الله العالم.

تبریزی، جواد بن علی، رساله احکام جوانان و نوجوانان (تبریزی)، در یک جلد، قم – ایران، اول، ه ق

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹